

معروف است معمولاً تا مادامی که فرد تغییری در رفتار خود نداده است ادامه خواهد داشت. باین ترتیب فرد از حقوق اجتماعی خود که عبارت است از حق شرکت در انتخابات، تقدیم تبرعات به صندوق محفل و حضور در ضیافت محروم میگردد. شاید این خود یکی از نشانه های بلوغ معنوی جامعه بهائی است که یک چنین مجازاتی که در مقایسه با موازین جامعه کنونی جهان بسیار ملایم بنظر میرسد از نظر بهائیان فوق العاده شدید و جدی تلقی میگردد.

بهائیان آزاد هستند که نظر و عقیده فردی خود را در جمع ابراز دارند مشروط بر آنکه مشخص باشد که آنچه عنوان میشود فقط برداشت شخصی آنهاست و با نظرگاه اصلی دیانت بهائی فرق دارد. اگر اظهار نظر شخصی در جمع به غیبت و یا جانبداری از جنبش های سیاسی منجر گردد شخص مربوطه ممکن است در معرض "طرده اداری" قرار گیرد. بالاترین جرم سعی در تفرقه افکنی در جامعه از طریق حمله به مقامات مقدسه دیانت بهائی میباشد. البته هر فردی که کوچکترین شکی در مورد هر یک از این مقامات داشته باشد آزاد است که جامعه بهائی را ترک نماید بدون اینکه دوستی خود را با افراد بهائی از دست بدهد، ولی فردی که بخواهد با حمله به اساس جامعه امر، حمایت افراد را از درون جامعه بخود جلب نماید در واقع به موجودیت دیانت بهائی لطمه وارد میسازد. یک چنین فرد خطاکاری با حکم بیت العدل اعظم بعنوان "ناقص" از جامعه بهائی اخراج میگردد. در چنین مواردی افراد جامعه بهائی (و حتی افراد خانواده شخص ناقص) از معاشرت و تماس با او ممنوع هستند و در صورت تخطی از این دستور، خود در خطر اخراج از جامعه بهائی قرار می گیرند. این تصمیم صرفاً در جهت حفظ حیات روحانی جامعه گرفته میشود و بهیچوجه جنبه انتقام جویی ندارد، بالعکس در صورتیکه فرد ناقص رسماً از رفتار گذشته خود اظهار ندامت نماید مجدداً باو اجازه داده میشود که به جامعه باز گردد.

امور مالی

آخرین ویژگی نظم اداری بهائی که در اینجا مورد بحث قرار می گیرد چگونگی تأمین منابع مالی جامعه است. هزینه اکثر فعالیت های جامعه بهائی تا کنون از طریق وجوهی که از ناحیه اعضای جامعه تقدیم گردیده تأمین شده است. البته هر سازمانی، بخصوص تشکیلاتی که اساسی جهانی دارد و جمع کثیری از نفوس مختلف و متفاوت از فرهنگهای گوناگون، از ثروتمند و فقیر را در بر میگیرد جهت انجام امور متداوله خود نیازمند منابع مالی میباشد. اولین اصلی که در مورد امور مالی در جامعه بهائی شایان توجه است اینست که تقدیم تبرعات به صندوق جامعه و در نتیجه کمک به استقرار نظم جدید جهانی خود یک مزیت و افتخار بشمار میرود. از دیگر ویژگیهای این نظام آن است که جامعه بهائی اکیداً هیچگونه کمک مالی از خارج (یعنی افراد یا مؤسسات غیر بهائی) نمی پذیرد و اگر فردی غیر بهائی وجهی باین جامعه تقدیم نماید عین آن وجه بنام خود آن شخص به یک مؤسسه خیریه عمومی تحویل داده میشود. یک چنین موضعی نمایانگر آنست که امر بهائی از اخذ اعانه از عموم بکلی برکنار است و از احتمال شیوع هر گونه فساد در این مورد مبرا میباشد. دومین اصل در این زمینه آنست که تقدیم تبرعات مالی در امر بهائی یک وظیفه

اخلاقی و وجدانی است. هدف مشارکت عموم افراد جامعه بطور مرتب و مستمر در این امر حیاتی میباشد زیرا این کیفیت خود نشانه بارزی از تعهد اخلاقی جامعه در قبال تحقق وحدت عالم انسانی بشمار میرود. از نقطه نظر روحانی و معنوی مشارکت عمومی (که مستلزم تقدیم مبالغ ناچیزی از ناحیه اعضای فقیر تر جامعه میباشد) بر اهدای مبالغ سنگینی که از ناحیه اقلیت ثروتمند تقدیم میگردد ارجحیت دارد. در واقع برای کمک مالی بصندوق جامعه هیچگونه فشاری از ناحیه تشکیلات بر افراد وارد نمی گردد. در این مورد نیز اصل اعتدال حکمفرماست، از یک طرف به افراد توصیه میشود که بخاطر کمک بصندوق جامعه خود را در فشار مالی قرار ندهند چه که در درجه اول باید تعهدات مالی خود را ادا نمایند، از سوی دیگر فداکاری و تقدیم آنچه که برای انسان ارزشمند و عزیز است عملی بسیار پسندیده شمرده شده است. سرانجام لازم به تذکر است که تقدیم تبرعات در دیانت بهائی امری محرمانه بشمار میرود. باین ترتیب افراد از الزام و فشار اجتماعی در امان هستند و البته کسانی هم که مبالغ سنگینی اهداء میکنند بهیچوجه نامشان فاش نمیگردد.

فصل بیست و نهم

وعده صلح جهانی

تعالیم بهائی تنها به دستورات اخلاقی فردی و نوع جدیدی از "دموکراسی روحانی" پیشرفته منحصر نمی گردد، بلکه به اتحاد ملل عالم و استقرار تمدنی جهانی در آینده وعده میدهد. یک چنین اتحادی تنها هنگامی میسر خواهد بود که اکثریت جمعیت جهان به اراده و میل خود به اصول این آئین توجه نمایند که این امر بنا بعقیده راسخ اهل بهاء سرانجام به تحقق خواهد پیوست، گر چه انتظار نمیرود که چنین تحولی سریع و یک شبه روی دهد. (۱) همچنین این نیز مسلم است که همیشه افرادی هستند که به نظامهای کهنه گرایش دارند. این چنین افرادی نیز حضورشان در اتحادیه ملل پذیرفته خواهد شد. البته بهیچوجه سعی نمیشود که این افراد را از عقیده خود بازدارند ولی آنها ملزم خواهند بود که قوانین و مقررات عمومی جامعه آن زمان مانند ممنوعیت جنگ و عدم تجاوز به دیگران را بپذیرند. بمنظور تجسم طرحی تقریبی از یک چنین اتحادی بین ملل عالم، شاید لازم باشد که بر روی دوجنبه ای که در این بحث حائز اهمیت خاص میباشد یعنی وحدت در کثرت در امور سیاسی و اجتماعی و توزیع عادلانه منابع اقتصادی تأکید نمائیم.

اتحاد سیاسی

عامل اصلی جهت حصول وحدت در کثرت در زمینه های سیاسی و اجتماعی یک نظام جهانی خواهد بود که بر تکامل روحانی افراد بر اساس اصول و تعالیمی که امروزه در جامعه بهائی اجرا میگردد متکی باشد. بطوریکه الواح و آثار نشان میدهد ساختار چنین نظامی اساساً نتیجه توسعه و تکامل نظم اداری بهائی خواهد بود. این نظام فدرال جهانی دارای شاخه های قانونگذاری، اجرائی و قضائی خواهد بود که با یک نیروی انتظامی بین المللی پشتیبانی میگردد. هیئت های انتخابی در این نظم اداری (که در آن زمان همه آنها حتی در سطح ملی و محلی هم بیوت عدل خوانده خواهند شد) تابع همان اصولی خواهند بود که در فصل بیست و هشتم شرح داده شد و همه قشرهای جامعه بطور مساوی در آنها نمایندگی خواهند داشت. اصل مشورت در همه امور و فعالیتهای اجتماعی رعایت خواهد شد. با توجه به رشد و پیشرفت معنوی مردم آن زمان و با بودن نظامی که با موافقت مردم اصول حیات اجتماعی بهائی را بمرحله اجرا خواهد گذاشت، میتوان گفت که دولتها در آن زمان در اجرای تصمیمات خود تا حد زیادی به اطاعت و وظیفه شناسی ملت خود متکی خواهند بود. باین ترتیب حجم کارهای اداری بنحو قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت، همچنین بطوریکه در آثار اشاره شده است مسئولیت سنگینی بر عهده مؤسسات ملی و محلی خواهد بود :

"نظم جهانی حضرت بهاء الله . . . از یک طرف تمرکز بیش از حد قدرت را نفی میکند و از سوی دیگر کوشش در جهت اتحاد شکل را رد می نماید. هدف آن وحدت در کثرت است . . . اصل وحدت عالم انسانی بمفهوم تأسیس یک جامعه متحد جهانی میباشد

که در آن همه ملل و نژادها و ادیان در کلیه شتون اصلی حیات متحد باشند و در عین حال خودمختاری و خصوصیات ملی ممالک اعضای آن محفوظ ماند. (ترجمه) (۲)

بدیهی است از بعضی جهات تشکیلات اداری در سطح ملی در آن زمان اهمیتی بمراتب کمتر از آنچه که در چهارچوب نظام سیاسی کنونی جهان دارد خواهد داشت. از یک طرف دستورالعمل کلی از طرف مؤسسات جهانی به حکومت‌های ملی داده خواهد شد و از سوی دیگر مسئولیتهای زیادی بر عهده جوامع محلی که بر اکثر امور روزمره نظارت دارند محول خواهد گردید و البته دو پایگاه اصلی قدرت در چهارچوب حاکمیت ملی یعنی نیروهای مسلح و تشکیلات مربوط به سیاست خارجی بمقیاس زیادی محدودتر خواهد شد. نکته قابل توجه در این ارتباط آنست که حضرت بهاء الله در اصل به بیت العدل صرفاً در سطح جهانی و محلی اشاره فرموده اند و فقط بعداً حضرت عبداله‌بهاء بعنوان رابطه ای بین این دو نهاد هیئت های ملی را پیشنهاد فرمودند. همچنین جالب آنکه حتی در حال حاضر بعضی از جوامع بزرگ بهائی مانند ایالات متحده و هند به لزوم تأسیس تشکیلات اداری در سطح استان (یعنی نهادی بین تشکیلات ملی و محلی) پی برده اند. بنا بنظر نویسنده ممکن است در آینده جامعه متحد جهانی در مورد جوامع ملی بسیار بزرگ، تأسیس سطح دیگری از تشکیلات اداری را بین نهادهای ملی و محلی ضروری بدانند.

در اینجا لازم است به دو موضوع دیگر نیز در این ارتباط اشاره گردد. اول آنکه تعیین حدود و مرزهای جوامع ملی در نظام جهانی بهائی از نظر جزئیات با حکومت های ملی کنونی فرق خواهد داشت از این نظر که به احساسات گروههای فرهنگی که امروزه در محدوده حکومت‌های ملی اقلیت خوانده میشوند و ممکن است در آینده خواهان خودمختاری باشند توجه خواهد شد. دوم آنکه البته مناطق بخصوصی وجود دارد که در آن اقلیت های قومی آنچنان با جامعه اکثریت آمیختگی دارند که منظور نمودن سرزمین مستقلی برای آن مردم بدون آنکه آنها را از محل زندگی خود کوچ دهند تقریباً غیر ممکن خواهد بود. تحت چنین شرایطی تأسیس یک جامعه چند فرهنگی بنفع همه گروهها خواهد بود. در غیر اینصورت خواست خود مختاری ملی گروهها را میتوان بطرق مختلف مانند تأسیس جوامع کوچک محلی که احتمالاً از نظر جغرافیائی از یکدیگر جدا بوده ولی در چهارچوب یک اتحاد فدرال قرار بگیرند تأمین نمود. اگر حسن نیت در بین همه گروههای فرهنگی در یک منطقه وجود داشته باشد امکانات فراوانی برای رفع این مشکل در دسترس آنها خواهد بود.

چندین موضوع در آثار بهائی در مورد وظائف حکومت مطرح گردیده است که در این بحث حائز اهمیت خاص میباشد. ابتدا مسائلی است که به اساسی ترین و دیرینه ترین وظائف دولت یعنی دفاع و برقراری نظم و قانون مربوط میگردد. با تأسیس یک نظام فدرال جهانی این دو وظیفه امنیتی در واقع بیک وظیفه مبدل میگردد. نهاد مهمی که عهده دار این وظائف ادغام شده میباشد یک دادگاه جهانی خواهد بود که بنا بفرموده حضرت ولی امرالله :

"در کلیه مناقشات احتمالی بین عناصر مختلفه این نظم عمومی قضاوت نموده حکم لازم الاجراء و نهائی خویش را صادر خواهد کرد." (۳)

این مرجع از نظر وظائف و اختیارات بسیار پیشرفته تر از دادگاه جهانی کنونی و یا مؤسسات مشابه قبلی آن خواهد بود. نهاد مهم دیگر در این ارتباط یک نیروی پلیس

جهانی محافظ صلح میباشد که قبلاً به آن اشاره گردید و تنها نیروی مسلح مهمی خواهد بود که در این زمینه فعالیت می نماید. این نیرو در مقایسه با ارتشهای ملی امروزی بسیار کوچک و محدود میباشد و فقط در حدی خواهد بود که بتواند از جامعه جهانی در مقابل تجاوزاتی که ممکن است از ناحیه بعضی از گروههای متجاوز ناشی شود دفاع نماید. جوامع محلی نیز هر یک دارای نیروی انتظامی مخصوص بخود در حدی که قادر باشند نظم و قانون را در قلمرو خود برقرار سازند خواهند بود. بعلاوه ممکن است که در سطح ملی نیز به یک گروه کوچک مرکزی نیاز باشد. نکته مهم و قابل توجه آنست که این نیروها محافظ جامعه خواهند بود، نه متجاوز به آن آنطور که امروزه گاهی بخصوص در کشورهای دیکتاتوری ملاحظه میشود. بنابراین میتوان گفت که چنین نیروی پلیسی البته مورد حمایت کامل جامعه قرار خواهد گرفت.

جنبه دیگر مسئله برقراری نظم و قانون در جامعه نحوه رویارویی با قانون شکنان میباشد. هر چند که جامعه بهائی مآلاً قادر به رفع علل اجتماعی جرم (از جمله فقر که در همین فصل مورد بحث قرار میگیرد) خواهد بود و همچنین عواملی را که بوقوع جرم کمک میکنند بر طرف خواهد نمود ولی باید توجه داشت که افراد بیمارگونه ضد اجتماع که دچار عدم بلوغ معنوی هستند همیشه وجود خواهند داشت. حضرت عبدالهء صریحاً تأکید میفرمایند که جهت حفظ نظم اجتماع، جنایتکاران باید توسط هیئت اجتماعی به مجازات برسند. وجود مجازات بعنوان اجرای عدالت در مورد شخص خطاکار و بعنوان عامل باز دارنده از جرم برای دیگران لازم و ضروری است. این دو هدف همیشه باید در مد نظر باشد تا از بروز احساسات تند که به انتقام جوئی و خشونت غیر لازم منتهی میگردد اجتناب شود. همچنین حضرت عبدالهء تأکید میفرمایند که انگیزه اصلی سیاست هیئت اجتماعی در این مورد تنها نباید کاهش موارد وقوع جرم باشد، بلکه ریشه کن کردن علل اصلی جرم از طریق تعلیم و تربیت کلی همه مردم بنحوی که از نفس ارتکاب جرم بکلی بیزار گردند باید مورد نظر باشد. با توجه به این نکته گمان میرود که یکی از انگیزه های تعیین مجازات باید تعلیم و تربیت فرد مجرم باشد بنحوی که او نیز امکان یابد تا استعدادهای نهفته روحانی و معنوی خویش را شکوفا سازد. همچنین اجرای عدالت مستلزم رعایت حال قربانیان جنایات و جبران خسارات وارده بر آنها از ناحیه شخص مجرم و یا جامعه میباشد. نکته جالب دیگری که در آثار دیانت بهائی ذکر گردیده اینست که وقتی مجرمی به مجازات خود میرسد پس از آن دیگر پیشرفت و تکامل روحانی او بخاطر جرمی که مرتکب شده متوقف نمیگردد.

یکی از مقاصد اصلی تأمین نظم و قانون در جامعه اینست که همه افراد جامعه در جهت تحری حقیقت و انتخاب عقیده آزاد باشند. باین ترتیب در یک جامعه جهانی بهائی مانند همه جوامع آزاد امکان بحث و اظهار نظر وجود خواهد داشت. البته حفظ و تداوم این وضع مستلزم وجود حس مسئولیت اجتماعی میباشد. تاریخ دوران معاصر شاهد نمونه های متعددی از جوامع آزادی است که بر اثر عدم پیروی از قوانین اصلی اجتماع به مرحله هرج و مرج سقوط کرده اند. در این ارتباط، در آثار بهائی اهمیت خاصی به مطبوعات داده شده که باید واقع بین و از قید تعصب آزاد بوده دیدگاهی جهانی داشته باشند :

"مطبوعات در ظل چنین نظمی در حالیکه میدان را برای ابراز نظرات و عقاید مختلفه

باز و آزاد خواهند گذاشت دیگر وسیله اعمال اغراض شخصی و تأمین منافع گروهی خاص قرار نخواهند گرفت و از اعمال نفوذ دول و ملل و رقابت های آنها رهائی خواهند یافت." (۴)

این اصل مورد توجه خاص مردم جهان سوم میباشد که امروزه احساس میکنند تصویری نامطلوب و غیرعادلانه از آنها در مطبوعات غربی منعکس میگردد. هدف رسانه های خبری باید تعلیم و تربیت و پیشبرد معنوی جامعه باشد.

مسئله آزادی فکر و بیان و آزادی توأم با مسئولیت مطبوعات طبعاً موضوع تعلیم و تربیت را مطرح میسازد که خود یکی از مهم ترین خدماتی است که از طرف یک نظام متحد جهانی در آینده ارائه خواهد شد. قبلاً به وظیفه پدر و مادر در مورد تعلیم و تربیت فرزندان و نیز مسئولیت جوامع محلی در این مورد اشاره گردیده است. در جهان متحده آینده، نظام فدرال جهانی مسئولیت نهائی تأسیس یک نظام عمومی آموزش و پرورش اجباری را بعهد خواهد داشت که در آن بر تربیت روحانی و کسب علم و هنر تأکید شده باشد. البته اداره این نظام آموزشی به سطوح پائین تر نظم اداری واگذار خواهد گردید. یکی از اهداف مهم تربیت روحانی تقویت این احساس در مردم است که همه افراد بشر به یک خانواده جهانی تعلق دارند و بکثرت و گوناگونی فرهنگی در جامعه بشری باید با دیدی تحسین آمیز پذیرفته شود. مطالعات روحانی بعنوان یک نیروی متحد کننده عمل خواهد نمود که با تأکید بر هدف زندگی و ارائه اصول کلی که در علوم و سایر رشته ها کارآئی داشته باشد، به تمامی نظام آموزشی معنا و مفهوم خواهد بخشید. همچنین نظام آموزشی بین آموزش فکری و مهارتهای فنی، با در نظر گرفتن اهمیت هر یک برای بشریت تعادل برقرار خواهد نمود. همانطور که قبلاً اشاره شد آموزش و تحصیل علوم باید در خدمت نوع بشر باشد، نه اینکه "از حرف شروع شود و به حرف خاتمه یابد." هدف از تربیت آنست که نسل جدیدی از بشر که به مرحله بلوغ روحانی و معنوی نائل شده و نسبت به همه جنبه های عالم هستی بینشی وسیع و کاوشگر داشته باشند ظاهر گردند.

قسمت مهمی از برنامه تحصیلی نظام جهانی آموزش و پرورش ترویج یک زبان عمومی خواهد بود. صرفنظر از مزایای عملی که یک زبان جهانی در امر تسریع و تسهیل ارتباطات خواهد داشت، بدیهی است زبان در ایجاد حس اتحاد در بین مردم میتواند نقش مؤثری داشته باشد. عمومی بودن زبان لاتین در امپراطوری روم یکی از مهمترین عوامل قدرت و اتحاد آن امپراطوری بود. همچنین زبان انگلیسی در اتحاد ایالات متحده نقش مؤثری داشته است. عدم توافق بر سر گزینش یک زبان واحد در هند خود منشأ اصلی بسیاری از اختلافات در این کشور میباشد. آئین بهائی زبان بخصوصی را بعنوان زبان جهانی تعیین ننموده بلکه این گزینش را بعهد ملل جهان گذاشته است تا بوقع خود در این مورد تصمیم بگیرند. ممکن است اصولاً یک زبان بین المللی کاملاً جدید در نظر گرفته شود. در اینجا لازم به یاد آوری است که حضرت عبدالبهاء نسبت به زبان اسپرانتو که مخترع آن در ارتباط نزدیک با دیانت بهائی بوده است نظری موافق داشته اند. (۵) امکان دیگر انتخاب یکی از زبانهای موجود میباشد. البته در حال حاضر این امر بخاطر بدبینی خاصی که در مورد امپریالیسم فرهنگی و دادن امتیازات غیر عادلانه به یک گروه فرهنگی وجود دارد امکان پذیر بنظر نمیرسد ولی احتمال دارد که در دراز مدت، این بدبینی ها کاهش یابد و بنابراین ممکن است ملل جهان باین

نتیجه برسند که یک زبان زنده با قدمت تاریخی و منابع غنی فرهنگی خود بر یک زبان ساختگی بین المللی ارجحیت خواهد داشت. لازم به تذکر است که در نظام آموزشی بهائی علاوه بر آموزش یک لسان عمومی کمکی، استفاده از زبانهای محلی نیز ترویج خواهد شد تا شکوفائی فرهنگهای محلی که خود یکی از جنبه های مهم و ارزنده تمدن جهانی از دیدگاه آئین بهائی میباشد تضمین گردد. این هدف با وجود یک لسان عمومی بعنوان زبان دوم سهل الوصول تر خواهد بود، چه که اقلیت های قومی که در سرزمین های دیگر زندگی میکنند با بودن یک زبان جهانی، دیگر مجبور نخواهند بود به زبانهای محلی مردم آن مناطق صحبت کنند.

همچنین نظم اداری بهائی در مورد ارائه سایر خدمات اجتماعی (مانند رفاه اجتماعی، خدمات بهداشتی و غیره) مسئولیت دارد و این خدمات را بنحو مساوی در اختیار همگان قرار خواهد داد و این خود باعث کاهش اختلاف طبقاتی خواهد شد. از آنجائی که بر طبق یکی از تعالیم اصلی دیانت بهائی خدمت به جامعه عبادت شمرده میشود و نیز بخاطر آنکه توجه به حال فقراء و ضعفاء مورد تأکید قرار گرفته است میتوان گفت که ارائه این گونه خدمات در حد کمال بوده از اولویت خاصی برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر موازین اخلاقی بهائی از جمله درستکاری و ممنوعیت از تکدی بطور حتم سوء استفاده از برنامه های رفاه اجتماعی را به حد اقل خواهد رساند. بدیهی است ارائه خدمات اجتماعی بیشتر به سطوح محلی واگذار خواهد شد تا جنبه روابط انسانی در دوائر دولتی تقویت گردد. بیمارستانها، درمانگاهها، خانه های سالمندان و مراکز معلولین در هر شهر و روستا بصورت مجتمعی در اطراف عبادتگاه (که به مشرق الاذکار معروف است) بنا خواهد گردید. این عبادتگاه بطوریکه در آثار بهائی مشخص گردیده عبارت است از یک ساختمان ۹ ضلعی که اطراف آن با درختکاری، گلکاری و باغچه بندی های زیبا تزئین گردیده و برای عبادت بروی پیروان همه ادیان گشوده باشد.

اقتصاد

بهترین راه برای خلاصه نمودن تعالیم بهائی در مورد اقتصاد آنست که آنها را بر اساس سه موضوع کلی که در هر نظام اقتصادی حائز اهمیت میباشد یعنی تشکیلات، توزیع ثروت و کیفیت کالا و خدمات دسته بندی نمائیم. در مورد سازمان و تشکیلات باید گفت مهمترین خصوصیت نظام اقتصادی بهائی وحدت در کثرت (همانگونه که در مورد امور سیاسی و اجتماعی نیز ملاحظه میگردد) و همچنین تأکید بر همکاریهای جمعی و ابتکارات فردی توأماً میباشد. تعالیم بهائی در مورد توزیع منابع اقتصادی بر دو اصل مهم عدالت تکیه دارد. این اصول عبارتند از: ۱- برطرف نمودن فقر و تعدیل ثروت. ۲- حمایت از کسانی که در تأمین رفاه و پیشرفت جامعه فعال هستند و بالعکس عدم حمایت از افراد سالمی که مصدر خدمتی در اجتماع واقع نمی شوند. اجرای این دو اصل با هم میتواند اختلافات فاحشی را که از نظر توزیع ثروت بین افراد جامعه وجود دارد کاهش دهد، حال آنکه در شرایط کنونی جهان، تفاوتهای زیادی از این نظر هم بین کشورها و هم در درون کشورها بین افراد یک ملت ملاحظه میشود (برای اطلاع به جدول شماره ۷ و ۲۰ مراجعه شود). اما البته تساری کلی اقتصادی مورد نظر نمیشد. برطبق تعالیم بهائی یک چنین برابری اقتصادی نه عملاً امکان پذیر است و نه

در واقع از نظر منافع عمومی مطلوب خواهد بود. کیفیت کالا و خدمات در یک جامعه جهانی بهائی عمیقاً تحت تأثیر توجه خاص به نیازهای روحانی و همچنین احتیاجات ضروری مادی قرار خواهد داشت. بطور کلی تغییر بزرگی در دیدگاه اقتصادی روی خواهد داد بطوریکه فلسفه اقتصاد از توجه به خواست های محدود و زودگذر مادی بسوی پیشبرد تمدن و ترقی عمومی بشریت تغییر جهت خواهد داد. اهل بهاء اکثراً دیدگاه آئین خود را در مورد اقتصاد به "حل مسئله اقتصادی" تعبیر می نمایند. در قسمتهای ذیل این مطالب با ذکر جزئیات بیشتری تحت سه عنوان مهم که در فوق به آن اشاره شد بترتیب مورد بحث قرار خواهد گرفت.

سازمان و تشکیلات اقتصادی

از نظر سازمان و تشکیلات اقتصادی بدیهی است که در جامعه جهانی بهائی، بخش عمومی نقش مهمی خواهد داشت. یکی از مسئولیت های نهاد مرکزی نظام فدرال جهانی آنست که بمنظور بالا بردن میزان کارآئی اقتصاد و ایجاد امکانات مساوی برای همه مردم جهان، با ترکیب و تلفیق اقتصادهای متعدد ملی یک اقتصاد واقعی جهانی تأسیس نماید. در این ارتباط، در آثار بهائی به لزوم تجارت آزاد جهانی، یک نظام پولی بین المللی، سیستم اوزان و اندازه گیری عمومی و تقویم جهانی اشاره شده است. (۶) بعضی از تعالیم دیگری که قبلاً شرح داده شد مانند تعلیم و تربیت عمومی و زبان بین المللی نیز در تأسیس این اقتصاد جهانی مؤثر خواهند بود. البته تأسیس یک نظام تجارت آزاد جهانی در وهله اول ممکن است در رویه کنونی تولید و توزیع اختلالاتی ایجاد نماید که در آنصورت نظام فدرال جهانی مسئول خواهد بود بر طبق اصل عدالت و بخاطر رعایت رفاه همه شهروندان جهان در طی این دوران انتقال، سیاستی اتخاذ نماید تا فشار این تغییر و تحول بطور مساوی بین همه مردم جهان تقسیم شود، نه مانند امروز فقط بر دوش عده ای تحمیل گردد. ممکن است که این سیاست های دوران انتقال شامل کمکهایی در جهت کارآموزی های جدید و تغییر مشاغل باشد. بهر حال روش و سیاست هر چه باشد، قدر مسلم آنست که عملکرد یک نظام فدرال جهانی در کاهش نابسامانی های این دوران انتقال بسیار مؤثرتر از تلاشهای فردی حکومت های ملی خواهد بود.

همچنین تأسیس یک اقتصاد جهانی احتمالاً مسئولیت متعادل نمودن نوسانهای اقتصادی را بر عهده نظام فدرال جهانی خواهد گذاشت تا سعی گردد از تورم در زمان شکوفائی و شیوع بیکاری در دوران رکود جلوگیری بعمل آید. در این ارتباط در آثار بهائی به مسئولیت جوامع محلی در ذخیره نمودن مازاد کالاهای ضروری برای جبران کمبود در مواقع احتیاج اشاره شده است. بنا به نظر شخصی نویسنده، با تغییر جهت دادن اقتصاد از تولید کالا به ارائه خدمات (چنانچه ذیلاً اشاره میشود) مشکل نوسانهای اقتصادی کمتر خواهد شد زیرا در مقایسه با کالا، خدمات از نظر عرضه و تقاضا از ثبات بیشتری برخوردار است.

وظیفه مهم اقتصادی دیگر نظام فدرال جهانی آنست که بمنظور حفظ، توسعه و استفاده از منابع طبیعی جهان در جهت منافع عمومی جامعه بشری اقدام لازم بعمل آورد چون این منابع تنها منحصر به کسانی که بر حسب تصادف در جوار آن زندگی

میکند نیست بلکه به تمامی جامعه بشری تعلق دارد. (۷)

"منابع اقتصادی عالم تحت انتظام در خواهد آمد و معادن مواد خام استخراج و مورد استفاده کامل قرار خواهد گرفت. بازارهای جهان با یکدیگر هم آهنگ شده توسعه خواهند یافت و توزیع فرآورده ها بنحوی عادلانه انجام خواهد پذیرفت." (۸)

گذشته از وظائف بزرگ برنامه ریزی و خدمات اجتماعی که قبلاً به آنها اشاره گردید احتمال دارد که در چهارچوب نظام متحد جهانی امکان فعالیت شرکت های بزرگ عمومی در سطح بین المللی، ملی و محلی بخصوص در زمینه هایی که وجود یک سازمان واحد منطقی تر بنظر میرسد (مانند اموری که به وسائل ارتباطی مربوط میگردد) وجود داشته باشد. اما اصول کلی در مورد عدم تمرکز قدرت و ترویج کثرت و تنوع که در توصیف جامعه متحد جهانی در آثار بهائی عنوان شده است مستلزم آنست که بیشتر مؤسسات بزرگ اقتصادی توسط بخش خصوصی اداره گردد. با توجه به ارزشهای جامعه بهائی، به احتمال قوی بسیاری از شرکت های بزرگ در بخش خصوصی بصورت تعاونی اداره خواهند شد یعنی سرمایه شرکت متعلق به کارگران و یا مصرف کنندگان و یا هر دو خواهد بود. البته برای کسانی که بدلاتی ترجیح بدهند که کسب و یا تجارت شخصی داشته باشند نیز امکاناتی وجود خواهد داشت. افرادی که در بخش خصوصی اقدام به سرمایه گذاریهای بزرگ می نمایند موجب بالا رفتن میزان ثروت جامعه میگردد زیرا غالباً آنها یک سری خدمات اضافی ارائه میدهند که کمتر مورد نظر شرکتهای بزرگ دولتی میباشد. تجربه نشان میدهد که سرمایه گذاری فردی منشأ اصلی ابتکارات در طول تاریخ بوده و باین ترتیب موجب تحرک و پیشرفت جامعه گردیده است. چنانچه شرکتهای خصوصی کارمندی را در استخدام خود داشته باشند بر طبق احکام بهائی می بایستی بمنظور رعایت اصول عدالت کارمندان را در سود شرکت سهم نمایند. در جامعه متحد جهانی تمام مؤسسات بزرگ اقتصادی اعم از دولتی، تعاونی و خصوصی در تصمیم گیری های خود باید با همه کارکنان مؤسسه از نزدیک مشورت نمایند، همانگونه که در سایر جنبه های حیات جمعی نیز عمل میگردد. از سوی دیگر جو همکاری که بر محیط مؤسسات اقتصادی حکمفرما خواهد بود ادامه روشهای کنونی رویارویی، درگیری بین اتحادیه های اصناف و کارفرمایان، اعتصاب و کم کاری را غیر لازم خواهد ساخت. اگر چه ممکن است بعضی از این طرق در گذشته مؤثر واقع شده باشند ولی قطعاً در یک جامعه جهانی بهائی منسوخ خواهند شد.

توزیع منابع

بدیهی است موضوع دوم یعنی توزیع منابع مهم ترین قسمت مبحث اقتصاد میباشد. صرفنظر از اصل تعدیل معیشت، سایر تعالیم دیانت بهائی نیز مانند تساوی حقوق زن و مرد، تعلیم و تربیت عمومی، زبان بین المللی و تشویق عموم به کارکردن و عبادت شمردن کار، همگی ناظر به فراهم آوردن امکانات مساوی برای همه افراد بشر میباشد و از این رو ثروت را تعدیل می نماید. همچنین تعالیم خاص دیگری نیز وجود دارد که در نیل به این هدف کمک میکند. یکی از این تعالیم تشویق ثروتمندان به کمک به مؤسسات عام المنفعه میباشد. حتی تحت نظام کنونی نیز کمک داوطلبانه بمؤسسات خیریه بسیار مرسوم و متداول است، هر چند که بدون شک اغلب انگیزه های

دیگری (مانند خود نمائی، اجتناب از پرداخت مالیات و غیره) ممکن است در کار باشد ولی نباید انکار نمود که بسیاری از افراد انسان دوست صرفاً تحت تأثیر احساسات عالی انسانی در این امور شرکت میکنند. باین ترتیب میتوان انتظار داشت که این سنت پسنندیده در جامعه تربیت شده ای که نسبت به هدف و مفهوم زندگی بینشی عمیق تر از جامعه امروزی داشته باشد بنحو گسترده ای تقویت گردد.

این سنت کمک داوطلبانه افراد به مؤسسات خیریه با یک نظام مالیات تصاعدی که در فصل هجدهم مورد بحث قرار گرفت همراه خواهد بود. نظام مالیات تصاعدی در طی چند دهه اخیر در بسیاری از کشورها به اجرا در آمده است، هر چند که باید گفت تأثیر آن بر تعدیل ثروت بواسطه وجود گریزگاههای مالیاتی و اجتناب مردم از پرداخت مالیات ناچیز بوده است. میتوان پیش بینی نمود که در یک جامعه بهائی که در مورد نحوه مصرف منابع عمومی وحدت نظر وجود خواهد داشت، ثروتمندان از اینکه مالیات بیشتری بپردازند و از این طریق به پیشبرد اهداف جامعه کمک نمایند احساس افتخار خواهند نمود. (۹) بنابراین وجود مالیات دیگر مانند امروز موجبی برای اجتناب از فعالیتهای اقتصادی نخواهد بود.

یکی دیگر از تعالیمی که احتمالاً در تعدیل ثروت مؤثر خواهد بود لزوم تنظیم وصیت نامه شخصی است که هر فردی ملزم به انجام آن میباشد. اگر چه قوانین صریحی در مورد اینکه چگونه در تنظیم وصیت نامه تعدیل ثروت منظور گردد موجود نیست ولی در مواردی که شخص متوفی اصولاً فاقد وصیت نامه باشد مقررات خاصی وجود دارد. این مقررات ناظر است به توزیع ثروت شخصی متوفی بین افراد خانواده او، جامعه و جالب تر از همه، معلمین او. عبارت دیگر رسم متداول کنونی که در مورد ارث بر فرزندان و بخصوص به رعایت اصل ارشدیت تأکید زیاد دارد و این خود یکی از عوامل تشدید عدم تعدیل ثروت در جامعه میباشد بنحو قابل ملاحظه ای تغییر خواهد کرد.

یکی دیگر از تعالیم بهائی که به این بحث مربوط میگردد ممنوعیت قمار است که به دو دلیل قابل توجیه میباشد، اول آنکه اصولاً از عدالت و منطبق بدور است که شخصی بدون آنکه کار مثبتی انجام دهد مبلغی دریافت دارد و دیگر آنکه قمار خود باعث تضییع منابع مالی خانواده ها که باید بمصرف نیازهای ضروری آنها برسد خواهد گردید. (۱۰) موضوع دیگری که در این بحث مطرح میگردد ارزش مشاغل مختلف از نظر جامعه میباشد، البته در این خصوص نص صریحی وجود ندارد ولی از مجموع تعالیم میتوان در این مورد نتیجه گیری نمود. مثلاً مشاغل آموزشی و تربیتی در آثار بهائی از اهمیت خاصی برخوردار است و باین ترتیب میتوان حدس زد که احتمالاً میزان دستمزد و مزایای معلمین بسیار بیشتر از امروز خواهد بود. همچنین این مزایا ممکن است به بعضی از مشاغل دیگر که خدمت بزرگی به جامعه محسوب میشوند و بخصوص کارهایی که انجامش پر مشقت و مخاطره آمیز است نیز تعلق گیرد.

یکی از مسائلی که به امر تعدیل ثروت در جامعه ارتباط پیدا میکند میزان جمعیت و رشد آن میباشد (برای اطلاع از رشد جمعیت جهان به جدول شماره ۲۵ مراجعه شود). در آئین بهائی در مورد کنترل جمعیت سیاست خاص و مستقیمی وجود ندارد ولی با ارائه تعالیمی مانند آزادی زنان و تعلیم و تربیت آنان و نیز تأکید در برطرف نمودن علل فقر در جهان، بطور غیر مستقیم کنترل جمعیت نیز منظور گردیده است. بنا به گزارش سازمان ملل متحد :

"بهبود موقعیت زنان در جامعه میتواند مؤثرترین و کارآمدترین راه حل برای مشکل جمعیت باشد. اتخاذ هرگونه سیاستی در مورد جمعیت باید با مشارکت کامل و همه جانبه زنان همراه باشد." (کنفرانس ملل متحد در مورد جمعیت سال ۱۹۸۴). (۱۱)

همچنین بنا به تشخیص سازمان ملل متحد یکی از عوامل مهمی که در تقلیل جمعیت مؤثر است بر طرف نمودن فقر در جامعه میباشد چه که وجود فقر خود انگیزه ای قوی در افراد بوجود می آورد که فرزندان متعددی داشته باشند به این امید که حداقل یکی از آنها زنده بماند تا در سنین کهولت از آنها نگهداری نماید. این نظر با تجربه جوامع غربی کاملاً تطبیق دارد یعنی بالا رفتن استاندارد زندگی منجر به کند شدن رشد جمعیت گردیده، بطوریکه در بعضی موارد کاهش قابل ملاحظه ای در این زمینه حاصل شده است. در اینجا باید اضافه نمود که احکام بهائی با روشهای کنترل جمعیت هیچگونه مخالفتی ندارد، البته بدیهی است طرقتی که به سقط جنین منجر میگردد مخالف روح تعالیم میباشد و فقط در موارد بسیار نادری که سلامتی مادر در خطر جدی قرار داشته باشد جایز شمرده میشود. بیت العدل اعظم در مورد تنظیم خانواده در حال حاضر هیچگونه دستور العملی تعیین ننموده اند و این امر را صرفاً به وجدان افراد واگذار کرده اند. بعلاوه هر چند که هدف اصلی ازدواج بهائی بدنیا آوردن فرزندان و پرورش نسل آینده میباشد ولی به پدر و مادر اکیداً توصیه گردیده که فقط آن تعداد فرزند بدنیا بیاورند که قادر به تأمین تعلیم و تربیت و تحصیلات آنها بنحو احسن باشند. (۱۲)

کالاها و خدمات

آیا در اقتصاد بهائی وجود چه نوع کالاها و خدماتی را میتوان انتظار داشت؟ روح کلی آئین بهائی و تعالیم خاص آن (از جمله اعتقاد به اینکه هدف اصلی زندگی توسعه و تکامل روحانی انسان میباشد) میتواند پاسخگوی این پرسش گردد. اولاً بطور قطع برطرف نمودن نیازهای اولیه تمامی جمعیت جهان از نظر خوراک، پوشاک، مسکن و خدمات درمانی در درجه اول اهمیت قرار خواهد داشت. در این ارتباط باید توجه نمود که کشاورزی که خود منبع قابل تجدیدی برای رفع اغلب این نیازها میباشد (۱۳) نقش اساسی و مهمی در اقتصاد بهائی خواهد داشت. بنظر میرسد که یکی از نقشهای مهم کشاورزی جلوگیری از ازدحام جمعیت در حومه شهرهای بزرگ است که در حال حاضر جزو هدفهای سازمانهای عمرانی مانند بانک جهانی میباشد، هدفی که نیل به آن با پیشرفت کامپیوتر و وسائل ارتباطی جدید که به مردم امکان میدهد بدون اینکه در کنار هم زندگی کنند با یکدیگر همکاری نمایند، آسان تر گردیده است. با استقرار مردم بیشتری در جوامع کوچکتر و روستاها، پیشرفت روحانی و معنوی جامعه تسهیل میگردد یعنی از یک طرف شهرهای بزرگ که در موج جمعیت آنها، افراد گمنام و ناشناخته مانده در نتیجه مسئولیت کمتری در قبال جامعه احساس میکنند خلوت تر خواهند شد. از سوی دیگر زندگی در مناطق روستائی برای انسان امکانات بهتری فراهم میسازد تا به زیبایی و ارزش واقعی طبیعت و حیات پی ببرد که این امر بنوبه خود فکر و اندیشه را به عالم روحانی و خالق این جهان و هدف عالم خلقت جلب می نماید. گذشته از بر آوردن نیازهای اولیه مادی، به آن دسته از فعالیت هائی که موجب ترقی

و پرورش روح، فکر و جسم انسان می‌گردد مانند تعلیم و تربیت، تحقیقات، فنون و صنایع، هنرها و همچنین مشارکت مثبت و فعالانه مردم در ورزشها (۱۴) و فعالیتهای مربوط به فضای سبز و محیط زیست اولویت خاصی داده خواهد شد. از سوی دیگر میتوان تصور نمود که بعضی از انواع کالاها و خدمات ممکن است کاهش یابد یا بکلی حذف گردد. بدیهی است هزینه های سنگینی که امروزه به امور نظامی اختصاص دارد بنحو قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت و این منابع بمصرف عمران و سازندگی خواهد رسید. همچنین زمینها و سایر منابعی که امروزه برای تولید الکل، تنباکو و سایر مواد مخدر بکار میرود در راه بهتری مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. بیانات حضرت عبدالبهاء در مورد اینکه در آینده خوراک اصلی مردم غلات، میوه جات و سبزیجات خواهد بود نشان میدهد که قسمت اعظمی از زمینهای حاصلخیز که امروزه بصورت مرتع جهت پرورش دام بکار میرود برای محصولات از قبیل غلات و حبوبات مورد استفاده قرار خواهد گرفت که این تحول خود توانائی تأمین پروتئین گیاهی را افزایش میدهد. (۱۵) همچنین میتوان حدس زد که تولید وسائل تجملی بی فایده کاهش خواهد یافت که البته این تحول نه بر طبق تصمیم دولت، بلکه صرفاً بر اساس تغییر ارزشها در جامعه خواهد بود. تحول مشابه دیگر کاهش کالاهای دور ریز و یکبار مصرف میباشد. این روند که موجب تضییع منابع ارزنده طبیعت میگردد خود از بی توجهی و ناسپاسی بشر امروز نسبت به مواهب عالم مادی که خداوند برای رفاه بشریت آفریده است ناشی میشود. بالعکس میتوان گفت که کالاهائی که با مرغوبیت کامل و با روحیه ایمان تولید و ببازار عرضه شده باشد مورد توجه قرار خواهد گرفت.

دیدگاهی واقع بینانه

با نظری کلی به تعالیم اجتماعی آئین بهائی غالباً دو خصوصیت اصلی این تعالیم که وسعت بینش و واقع بینی محض است توجه را جلب می نماید. این ویژگیهای خاص درخور تعمق و موشکافی بیشتری میباشد.

مقصد اصلی آنست که نوع بشر به صلحی پایدار و همیشگی و استقرار عدالت اجتماعی در جهان نائل گردد. این دیدگاه بطوریکه در این فصل اشاره میشود دو هدف را در بر میگیرد. اول تأسیس یک نظام فدرال جهانی بمنظور استقرار صلح بین ملل جهان میباشد. منظور از برقراری چنین صلحی آن است که جوی ایجاد گردد تا در آن تمامی مردم جهان بتوانند استعدادهای عالی انسانی خود را بنحوی کامل شکوفا سازند. با این توصیف روشن میگردد که چنین نظامی بهیچوجه نمیتواند به دیکتاتوری گرایش پیدا کند، بلکه خود لزوماً جزء لاینفکی از یک جامعه آزاد و منبعث از آن خواهد بود.

بسیاری از تعالیم اجتماعی بهائی در جهت نیل باین هدف است. چنانچه مثلاً تعالیمی که ناظر به تربیت فردی میباشد اصولی در جهت اتحاد فکری، محبت و توجه به رفاه دیگران، ارج نهادن به تنوع فرهنگی جوامع بشری و لزوم مشارکت عمومی در امور اجتماعی ارائه میدهد. نظام تشکیلات اداری آنطور که مورد نظر است اختیارات وسیعی در جهت برنامه ریزی و رهبری به ارگان جهانی میدهد ولی در عین حال ناظر به عدم تمرکز میباشد و بخصوص اداره امور روزانه و جزئیات مربوط به آن را به سطوح محلی واگذار مینماید. روش انتخابات که دارای ویژگیهای مانند رأی مخفی و رعایت

سلسله مراتب از پائین ترین سطح جامعه می باشد و نیز بر انتخاب افراد صالحی که
بمرحله رشد روحانی رسیده و در اداره امور متبحر و در حد امکان از سطوح و طبقات
مختلف اجتماع باشند تأکید دارد خود مهم ترین ضامن حفظ این نظام از گرایش به
دیکتاتوری خواهد بود. این نظام بر اساس مشورت آزاد در تمام سطوح و نیز مشاوره
بین سطوح مختلف و از جمله برگزاری جلسات مرتب ماهانه جهت اعضای جوامع
محلی تکیه دارد. باین ترتیب تغییر اعضای هیئت های اداره کننده جامعه و در
عین حال حفظ ثبات و تداوم امور تضمین میگردد.

عده ای این نظام را بخاطر آنکه جایی برای فعالیت احزاب سیاسی ندارد مورد انتقاد
قرار داده و آن را غیر دموکراتیک خوانده اند. ولی نویسنده در قبال این ایراد تأکید
مینماید که پیش بینی های احتیاط آمیزی که در فوق به آن اشاره رفت خود مهم ترین
عامل حفظ و تداوم یک جامعه آزاد میباشد. احزاب سیاسی در دموکراسی غرب صرفاً
بخاطر عدم برخورداری جامعه از همبستگی و اتحاد اجتماعی شکل گرفته اند. (۱۶)
نظم اداری بهائی دارای امکاناتی جهت بحث و مشورت و نیز تغییر و تعویض افراد در
مؤسسات اداری جامعه میباشد که قطعاً معادل شرایطی است که در نظامهای چند حزبی
ارائه میگردد. در حقیقت نظرگاه آئین بهائی در مورد اداره جامعه با تأکید خاصی که
بر اتحاد جهانی، مشورت با مشارکت عموم و رعایت اصول عالی اخلاقی و ارزشهای
اجتماعی دارد بنظر نویسنده در سطحی بسیار پیشرفته تر از دموکراسی قرار دارد.

هدف دیگر استقرار یک نظام اقتصادی عادلانه در جامعه بشری میباشد. به اصول و
موازین متعددی که در تعالیم بهائی در مورد برطرف نمودن فقر و کاهش اختلاف
طبقاتی وجود دارد قبلاً اشاره گردیده است. در عین حال فعالیتهای اقتصادی فردی
مورد حمایت بوده و کمکهای مالی داوطلبانه به مؤسسات عام المنفعه و وضع
مالیتهای اجباری جهت تأمین بودجه فعالیتهای اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است.
نقطه نظر اصلی اقتصاد در اینجا تولید و ارائه کالاها و خدماتی است که جهت تأمین
رفاه مادی و پیشرفت و ترقی معنوی افراد لازم و ضروری میباشد. از یک نظر این
اصول اقتصادی را میتوان شکل تکامل یافته و پیشرفته بهترین ویژگیهای هر یک از
نظامهای سیاسی کنونی یعنی سرمایه داری با تأکیدش بر آزادی و ابتکارات فردی و
سوسیالیسم با توجهش به مساوات و حمایت از طبقه فقیر دانست که بر آن یک بُعد
روحانی نیز اضافه گردیده است که احتیاجات مادی را با دیدی وسیع تر در کنار نیازهای
معنوی که از حقیقت روحانی انسان ناشی میگردد قرار میدهد.

اما در مورد خصوصیت دیگر تعالیم که واقع بینی محض میباشد میتوان گفت که شاید
مهم ترین مسئله وجود این اعتقاد است که اگر چه نیروهای تاریخی خود بنحو اجتناب
ناپذیری موجب تأسیس صلح و اتحاد جهانی خواهند شد ولی افراد بشر نیز ملزم به
تلاش در این راه میباشد تا از یک طرف از وقوع فاجعه ای بزرگ قبل از رسیدن به
این هدف جلوگیری بعمل آورند و از سوی دیگر با تلاش و کوشش خود استقرار صلح را
هر چه زود تر امکان پذیر سازند. "اورشلیم جدید" که در کتب مقدسه وعده داده شده
است بدون تلاش بشر و صرفاً بصورت هدیه ای از آسمان نازل نمیشود. سوسیالیست ها
ممکن است در این مورد متوجه مشابهت هائی با تنوری کارل مارکس شوند که
حتمی الوقوع بودن تاریخی نظام کمونیستی را پیش بینی میکند ولی در عین حال تلاش
در راه تحقق آن را نیز لازم میدانند.

دومین جنبه واقع گرائی تعالیم اجتماعی ویژگی قدم به قدم و مرحله به مرحله بودن آن است. یک نمونه آن اشاره به مرحله انتقالی "صلح اصغر" است که قبل از استقرار "صلح اعظم" پیش خواهد آمد. نمونه دیگر تأسیس یک نظام اداری جدید در درون جامعه بهائی مدتها قبل از آنکه صلح اصغر یا اکبر تحقق پذیرد میباشد. در حال حاضر کارآئی این نظم اداری از نظر جهانیان هنوز ممکن است خیلی محدود و جزئی باشد ولی این امکان را بجامعه بهائی میدهد که تجارب لازم را در مورد کیفیت و نحوه کار این نظام کسب نموده آن را بنحو کامل در عمل پیاده نماید تا آنکه در آینده، هنگامی که عدم کارآئی و نارسائی نظامهای سیاسی کنونی جهان کاملاً روشن گردد بتوان آن را بعنوان نمونه عملی یک نظام جدید به جهانیان ارائه داد. البته این روش بسیار واقع بینانه تر از آن است که با در دست داشتن طرح کاملی از یک نظام ایده آل ولی در عمل پیاده نشده منتظر روزی نشست که نظامهای کنونی جهان از کار باز ایستند.

سومین نکته در مورد واقع گرائی تعالیم تشخیص این امر است که عدالت اجتماعی تنها با پند و اندرز و تشویق افراد بکسب صفات عالی اخلاقی و یا با ارائه طرقتی در مورد اقدامات جمعی عملی نمیشود، بلکه آنچه مورد نیاز است اینست که افراد و هیئت های اجتماعی هر دو همگام با یکدیگر و توأمأ تکامل پیدا کنند تا با تأثیر گذاری متقابل بر یکدیگر باعث پیشرفت کلی جامعه گردند. در این ارتباط است که میتوان گفت آئین بهائی جنبشی منحصر بفرد میباشد. هیچیک از ادیان طرح وسیع و جامعی برای یک نظم اداری جهانی ارائه نداده اند. هیچیک از نظامهای سیاسی نیز توجهی به رشد معنوی و صفات عالی اخلاقی انسان ندارند.

جنبه واقع بینانه دیگر برقراری تعادل بین آزادی و وظیفه میباشد، تعادلی که اصولاً در دموکراسی مورد غفلت قرار گرفته و در نتیجه تأثیری منفی بر کارآئی سیستم گذاشته است. حضرت بهاءالله تأکید فرموده اند که هدف از این تعالیم حفظ و حراست انسان است، نه مقید کردن او. با توجه به اجرای روش مشورت و امکان درخواست تجدید نظر، اطاعت از حکومت برای حفظ و بقای تمامی جامعه ضروری است. آئین بهائی به این واقعیت ناظر است که همیشه کسانی وجود خواهند داشت که بخاطر عدم رشد معنوی به وظائف اجتماعی خود بی توجه میباشند. از این رو به لزوم تشکیل یک نیروی جهانی محافظ صلح و همچنین مجازات مجرمین اشاره شده است. باین ترتیب کامل بودن انسان بعنوان فلسفه ای تخیلی رد گردیده است.

در زمینه واقع گرائی لازم است به دو ویژگی دیگر تعالیم اجتماعی آئین بهائی اشاره گردد که عبارتند از : ۱- محدودیت قدرت و اختیارات فردی. ۲- انعطاف پذیری مؤسسات. در طول تاریخ رهبران بزرگ جامعه، اعم از رهبران سیاسی یا مذهبی، خود مسبب اصلی بسیاری از مصائب بشری بوده اند. (۱۷) در دوران قدیم که جوامع بشری اکثراً بیسواد و از تحصیل علوم محروم بودند نیاز بوجود رهبران (روحانی یا سیاسی) بوضوح احساس میشد. بسیاری از این رهبران ابتدا انگیزه های بسیار عالی داشته و در مقام نجات و رهائی قوم خود بوده اند. ولی قدرت خود بنحو اجتناب ناپذیری موجب فساد میگردد. این رهبران با بدست گرفتن قدرت تصور میکردند که بهتر از هر کس دیگر به خیر و مصلحت جامعه واقف هستند از این رو در مقابل هر نوع عقیده مخالفی تا حد خشونت و دیکتاتوری ایستادگی میکردند. سر سپردگی و انقیادی که مردم در قبال این رهبران از خود نشان میدادند خود باعث تقویت حس غرور

و خود بینی آنان میگردید و غالباً جاه طلبی و کسب افتخارات شخصی تنها هدف آنها قرار میگرفت. نفس پرستی و تعلق خاطر به مادیات موجب میشد که توجه به تجملات مادی و رفاه شخصی در نظر آنها بر تأمین غذا برای گرسنگان اولویت پیدا کند. دموکراسی بطور کلی توانسته است تا حدی جنبه های نامطلوب و افراطی این گونه رهبری ها را متعادل سازد ولی با این حال این مشکل همچنان بقوت خود باقی است، چه که این نظام هنوز هم احراز مقام را موقوف به رقابت های فردی نموده است. اما جامعه بهائی بهیچوجه به رهبری فردی متکی نیست، بلکه این جامعه بر اساس تصمیمات و اقدامات جمعی اداره میگردد چنانچه نحوه تشکیلات محافل روحانی، نظام انتخابات و روش مشورت بخوبی مؤید این معنا میباشد. البته افرادی در جامعه هستند که بخاطر خدمات خالصانه، صفات برجسته اخلاقی و یا موقعیت علمی خود مورد احترام خاص میباشند و آراء و نظریاتشان مورد توجه قرار میگیرد، ولی قبول یا رد اظهارات آنها نیز بستگی به قضاوت جامعه ای دارد که افراد آن بخوبی آموخته اند که صحت و سقم هر مسئله ای را از طریق مطابقت آن با الواح و آثار الهی روشن سازند، نه اینکه صرفاً به اظهار نظر شخصی توجه نمایند.

انعطاف پذیری نظام تشکیلاتی امر با توجه به شرایط مختلف و متفاوتی که در طی دورانی طولانی در جوامع گوناگون وجود خواهد داشت خود یک ویژگی واقع بینانه و ضروری است. سادگی نظم اداری بهائی و ارتباط آن با پیشرفت روحانی انسان آن را بنحوی انعطاف پذیر میسازد که با همه نوع شرایطی تطبیق پیدا میکند. همچنین تنوع روش در امور اقتصادی اجرای سیاست های گوناگون را در این زمینه برحسب شرایط و تمایل جوامع محلی یا ملی امکان پذیر می نماید. مثلاً ممکن است که در جهان متحد آینده، کشورهایی که قبلاً سوسیالیست بوده اند بیشتر ترجیح دهند که بخش عظیمی از اقتصادشان دولتی باشد تا آن کشورهایی که قبلاً رژیم سرمایه داری داشته اند.

از نقطه نظر امر بهائی همه این جنبه های مختلف مجموعه ای از تعالیم اجتماعی جامع و کلی را تشکیل میدهد که با دیدگاه اصلی این آئین در مورد عالم هستی، آنطور که در فصل بیست و هفتم اشاره شد، یعنی چگونگی طبیعت انسان، ارتباط انسان با خدا و هدف از حیات انسانی در این عالم از نظر اصولی مرتبط میباشد. در عین حال باید اضافه نمود که اهل بهاء نهضت های دینی گذشته را جزء مهمی از میراث فرهنگی خود میدانند و معتقدند که آئین آنها خود بمنزله نیروئی است که بالمآل همه ادیان و جنبش های مترقی جامعه بشری را متحد میسازد و به آنها توانائی میدهد تا سرانجام عدالت اجتماعی را در جهان بر قرار سازند.

فصل سی ام

کار آئین برنامه در عمل

بررسی آئین بهائی پرشش های خاصی را مطرح می نماید تا معلوم سازد که آیا این عقیده میتواند الهام بخش عمل واقع گردد و آیا این آئین حقیقتاً جنبشی مترقی برای آینده خواهد بود که مآلاً به استقرار عدالت اجتماعی در جهان بیانجامد؟ آیا این تعالیم پیشرفته واقعاً در سطح وسیعی برای همه ملل و اقوام قابل اجراء خواهد بود؟ آیا این دیانت خواهد توانست ادعای خود را که اتحاد نوع بشر میباشد عملاً به ثبوت برساند و آیا پیروان آن با تمام قوا در جهت نیل به اهداف آئین خود کوشا میباشند و در این راه حاضر به فداکاری و از جان گذشتگی لازم هستند و آیا قادر خواهند بود در مقابل مخالفت های دشمنان خارجی و احیاناً داخلی همچنان متحد و مصمم باقی بمانند؟ و بالاخره آیا پیروان این آئین تعالیم آن را در عمل پیاده نموده اند؟

برای پاسخگویی باین پرسشها، تاریخ این جنبش را مورد مطالعه قرار میدهیم تا ببینیم تا کنون چه مسیری را طی کرده است.

آئین بهائی در زمانی ظهور نمود که پیروان ادیان اسلام و مسیحیت هر دو بر طبق معتقدات خود منتظر فرا رسیدن عصری جدید و ظهور پیامبری تازه بودند. در غرب با استناد به پیشگویی های کتاب مقدس (بخصوص اسفار دانیال، اشعیا، انجیل متی و مکاشفات یوحنا) محاسبه شده بود که بازگشت مسیح، آنطور که وعده داده شده، باید در سال ۱۸۴۴ باشد. این محاسبه بخصوص از طرف گروهی از مسیحیان در ایالات متحده که به پیروان "ویلیام میلر" (Millerites) معروف شده اند بسیار جدی تلقی گردید. در شرق مذهب شیعه احادیشی در دست داشت که نشان میداد امام دوازدهم یا آخرین امام در سال ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق تقویم اسلامی که مقارن همان سال ۱۸۴۴ مسیحی میباشد ظاهر خواهد شد (یعنی هزار سال بعد از غیبت آن حضرت بنا به معتقدات اهل تشیع).

آئین بهائی در ایران و در بین مردمی آغاز گردید که زمانی بنیانگذار یکی از بزرگترین تمدنهای جهان بودند ولی در طول تاریخ بتدریج رو بقهقرا رفته و تا مقارن این ظهور در اعماق جهالت و ضلالت سقوط کرده بودند بطوریکه تمام قوا و استعداد های قابل ملاحظه این قوم در راه فساد، تفرقه، دروغ، خشونت و گهگاه شقاوت و خونخواری صرف میشد. دین اسلام که رو به ضعف نهادن قوای روحانی آن خود یکی از علل پیدایش این وضع بود بهیچوجه قادر به مقاومت در مقابل این روند نبود. طبقه روحانیون نیز خود غرق تعصب، خرافات (۱) و سایر مفاسد حاکم بر جامعه بودند. دستگاه سلطنت و حکومت هم دست کمی از آنها نداشتند. ضعف سیاسی و اقتصادی مملکت با فساد اخلاقی آن توأم شده بود و باین ترتیب کشوری که روزی یکی از امپراطوریهای مقتدر جهان بشمار میرفت اکنون در مقابل کشورهای همسایه خود و قدرتهای متجاوز امپریالیسم بصورت شکار ضعیفی در آمده بود.

در شب ۲۳ ماه می سال ۱۸۴۴ جوانی بنام سیدعلی محمد (۱۸۵۰ - ۱۸۱۹) در مقابل شخصی که مشتاقانه در انتظار ظهور پیامبر جدید الهی بود صریحاً اعلام نمود

که او مبشر و آغازگر ظهور موعود همه ادیان میباشد (۲) و از این رو لقب "باب" را برای خود انتخاب نمود. این واقعه در شهر زیبای شیراز یعنی شهر گلها و شعرا اتفاق افتاد. علم ذاتی، پاکی و خلوص نیت، وقار و علو شخصیت آن جوان بزودی سایر کسانی را که در جستجوی نهضت روحانی زمان بودند تحت تأثیر قرار داد بطوریکه با خوشحالی دعوت او را پذیرفتند. خبر این ظهور بزودی در سراسر ایران و کشورهای همجوار یعنی مناطقی که در آن مذهب شیعه نفوذ داشت منتشر گردید. هزاران نفر از همه طبقات جامعه از جمله روحانیون و علمای طراز اول به این جنبش جدید جذب گردیدند. این امر خشم مقامات مذهبی را که پیشرفت این امر را تهدیدی بالقوه برای قدرت خود میدانستند برانگیخت. دستگاه سلطنت و کارگزاران حکومت نیز پس از تردیدی اولیه از این جنبش بیمناک شدند و در جهت مخالفت با آن به روحانیون پیوستند. در نتیجه حضرت باب در نقطه دور دستی از کشور زندانی شد و پیروانش بشدت قلع و قمع گردیدند. در طی چند سال هزاران نفر بخاطر ایمان به این آئین جدید تحت شکنجه های موحش قرار گرفته بقتل رسیدند.

یکی از پیروان این آئین زن جوانی بود بنام طاهره که بخاطر علم و فضل فوق العاده (که برای یک زن در آن زمان و مکان غیر عادی بنظر میرسید) و همچنین اشعار شورانگیزش مورد احترام بود. این زن در اثبات اینکه آئین جدید حرکتی اصیل و انقلابی میباشد و بهیچوجه نباید آن را یک جنبش کوچک اصلاحی در اسلام بشمار آورد نقش مهمی داشت. او بخصوص در اجتماع پیروان باب که در ژوئن سال ۱۸۴۸ (۳) در دهکده "بدشت" برگزار گردید با حضور بدون حجاب خود (عملی که در جامعه اسلامی آن زمان کاملاً بیسابقه بود) انتظار را به جریان قریب الوقوع آزادی زنان جلب نمود. چهار سال بعد از این رویداد، هنگامی که میخواستند او را بقتل برسانند به جلدانی که مأمور کشتن او بودند چنین گفت:

"قتل من در دست شما است هر وقت اراده نمائید به نهایت سهولت انجام خواهید داد ولی بیقین مبین بدانید که تقدم و آزادی نسوان هرگز ممنوع نشود و با اینگونه اعمال از پیشرفت و حرکت باز نماند." (۴)

حضرت باب خود نیز پس از یک محاکمه ساختگی در روز ۹ ژوئیه سال ۱۸۵۰ در مقابل جمعیت عظیمی در شهر تبریز تیر باران گردید. این رویداد در نوع خود کاملاً خارق العاده بود زیرا دفعه اول که خواستند حکم اعدام را اجرا کنند جوخه ای مرکب از ۷۵۰ نفر سرباز نشانه گیری نمودند ولی با کمال شگفتی هیچیک از گلوله ها به هدف اصابت نکرد. پس از آنکه دود ناشی از شلیک گلوله ها بر طرف گردید حضرت باب را در حجره ای در آن نزدیکی مشغول مذاکره با منشی خود یافتند. مذاکره ای که قبلاً بعلت مداخله مأمورین اعدام نیمه تمام مانده بود. وقتی سخنان خود را باتمام رساندند با آرامش و وقار به محل اعدام بازگشتند و این بار بود که مأمورین اعدام توانستند حکم را بمرحله اجرا بگذارند.

کشته شدن حضرت باب و تعداد زیادی از پیروان او که بسیاری از آنها جزو برجسته ترین مؤمنین اولیه این آئین بودند این جامعه نو پا را بطور موقت دچار تزلزل نمود. بتدریج باز ماندگان این نهضت در اطراف یکی از پیروان اولیه حضرت باب بنام میرزا حسین علی (۱۸۹۲ - ۱۸۱۷) ملقب به بهاءالله جمع شدند و از او نیرو و الهام گرفتند. حضرت بهاءالله پسر یکی از وزرای دربار قاجار بود که به خود او نیز مقام

وزارت پیشنهاد شده بود. اما ایشان زندگی ساده در شهر خود و اعانت به فقراى آن دیار را که در آنجا به پدر فقرا معروف بودند بر وزارت ترجیح داده بودند. ایشان در سال ۱۸۴۴ پیام حضرت باب را که توسط نماینده مخصوصی برایشان فرستاده شده بود دریافت کرده و بدون هیچگونه تردیدی آن را پذیرفته بودند. در طی سالهای بعد، حضرت بهاءالله بخاطر این ایمان دو بار زندانی شدند و در معرض ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند. دومین باری که زندانی شدند در سردابی مخوف، مرطوب و کثیف بنام "سیاه چال" بود که قبلاً بعنوان مخزن آب زیر زمینی از آن استفاده میشد. در این زندان موحش بود که حضرت بهاءالله برای اولین بار به وحی الهی ملهم شدند. سرانجام در اواخر سال ۱۸۵۲ ایشان از زندان آزاد گردیدند و بلافاصله پس از مصادره اموال به تبعید فرستاده شدند. علت در امان ماندنشان از اعدام در چنان شرایط خطیری آن بود که ایشان نه تنها به یک خاندان اشرافی تعلق داشتند (در واقع از اعقاب پادشاهان ساسانی بودند)، بلکه سفیر روسیه در ایران، پرنس دالگورکی که از دوستان خانوادگی ایشان بود نیز در این مورد وساطت نموده بود.

حضرت بهاءالله ده سال دوران حیات خود را در بغداد که در قلمرو امپراطوری عثمانی بود گذراندند و دو سال از این مدت را جهت تفکر و عبادت در کوههای سلیمانیه عزلت اختیار نمودند. در هنگام اقامت در بغداد بود که حضرت بهاءالله ضمن سه اثر مهم خود، برای اولین بار مردم جهان را مخاطب قرار دادند. اولین اثر "کلمات مکتونه" بود که مشتمل بر آیاتی در باره خلقت و سرشت انسان میباشد که در آن خداوند نوع بشر را مخاطب قرار میدهد. دومین کتاب "هفت وادی" نام دارد که هفت مرحله تکامل روحانی را که عبارتند از طلب، عشق، معرفت، توحید، رضا، حیرت، فقر و فنا شرح میدهد. سومین اثر مهم این دوران کتاب ایقان است که در آن حضرت بهاءالله در باره ذات لایدرک الهی سخن میگویند و مسئله استمرار ظهورات الهیه را مطرح میسازند (به فصل بیست و هفتم مراجعه شود). تحت هدایت و رهبری ایشان، گروه کوچک پیروان این آئین در بغداد به صفات عالی اخلاقی و عدم تعلقات مادی شهرت پیدا کردند بطوریکه در اموال و دارائی های دنیوی با یکدیگر شریک و سهیم بودند. بسیاری از کسانی که قبلاً بلحاظ کوتاهی دوران رهبری حضرت باب و همچنین مشکل ارتباطات در یک کشور وسیع و فاقد امکانات نتوانسته بودند به بسیاری از تعالیم این آئین جدید پی ببرند، اکنون برای اولین بار با بعضی از تعالیم آن مانند عدم مداخله در امور سیاسی و اجتناب از توسل به خشونت آشنا میشدند (تعالیمی که با رویه متداول در جامعه اسلامی آن زمان و حتی جامعه امروز در تضاد شدید قرار میگیرد). مردمان از طبقات مختلف به ملاقات حضرت بهاءالله می آمدند. بتدریج خبر شهرت و محبوبیت این جمع به تهران رسید و موجب بیم دولت ایران که گمان میکرد این نهضت دینی را بکلی ریشه کن کرده است گردید. در نتیجه، دولت ایران دولت عثمانی را تحت فشار قرار داد تا حضرت بهاءالله را از نزدیکی مرزهای ایران دور سازد. وقتی به حضرت بهاءالله ابلاغ شد که باید بغداد را ترک نمایند، ایشان پیروان را احضار نموده ضمن خداحافظی برای اولین بار مأموریت روحانی خویش را بعنوان پیامبر الهی در این زمان اعلام فرمودند.

دولت عثمانی ابتدا حضرت بهاءالله را به قسطنطنیه فرستاد. اما بزودی بر اثر فشار و اصرار دولت ایران که از حضور ایشان در پایتخت عثمانی و امکان تأثیرگذاری آن حضرت

بر عمال دولت عثمانی بیمناک بود، حضرت بهاءالله به ادرنه که واقع در قسمت اروپائی امپراطوری عثمانی بود منتقل گردیدند و با جمعی از پیروان خود مدت پنج سال در این شهر بسر بردند. این دوران شاهد شدت یافتن مخالفت از ناحیه برادر ناتنی حضرت بهاءالله بود (که در بغداد آغاز شده بود). این شخص ضعیف النفس تحت تأثیر تحریکات مغرضانه یکی از همراهان شرور و جاه طلب خود، سر به مخالفت برداشته بود. در این ارتباط چندین بار بجان حضرت بهاءالله سوء قصد شد که بر اثر یکی از آنها آنچنان به سلامت ایشان لطمه وارد گردید که اثر نامطلوب آن تا پایان عمر در بدنشان باقی ماند. اما هنگامی که در مقابل همه این مخالفتها و تحریکات، پیروان حضرت بهاءالله همچنان در عشق و ایمان خود ثابت قدم ماندند، مخالفین روش خود را تغییر داده این بار شایع نمودند که تعالیم آزادی خواهانه این آئین حس ملیت گرایی را در بین مردم بالکان تقویت می نماید و باین ترتیب با تکیه بر مسئله ای که در آن زمان کارگزاران دولت عثمانی نسبت به آن حساسیت خاصی داشتند، سعی نمودند سوء ظن آنها را نسبت به حضرت بهاءالله بر انگیزند. بر اثر این تحریکات در سال ۱۸۶۸ ناگهان دولت عثمانی تصمیم گرفت که بار دیگر حضرت بهاءالله و پیروانش را به محل دیگری تبعید نماید. این بار آنها را از راه دریا به قلعه عکا واقع در خاک فلسطین که در آن زمان جزو امپراطوری عثمانی بود انتقال دادند.

حضرت بهاءالله در عکا مأموریتی را که در ادرنه آغاز کرده بودند ادامه دادند و ضمن الواحی که برای قدرتمندترین سلاطین و رهبران جهان فرستادند مأموریت الهی خود را در این عصر اعلام و آنها را به انجام امور ذیل دعوت نمودند : ۱- تأسیس یک دادگاه بین المللی جهت داوری در اختلافات بین المللی. ۲- تشکیل یک نیروی پلیس بین المللی. ۳- انتخاب و ترویج یک زبان بین المللی. ۴- تأسیس یک نظام آموزش و پرورش اجباری در سطح جهانی. همچنین زمامداران جهان را به خلع سلاح، توجه به حال فقرا و تأسیس دولتهای منتخب قانونی تشویق فرمودند. ایشان بخصوص در لوحی که خطاب به ملکه ویکتوریا نازل فرمودند اقدامات او را در مورد تشکیل حکومت مشروطه در انگلستان ستودند. در این ایام حضرت بهاءالله با نزول کتاب اقدس احکام دینی را تشریح فرمودند که این احکام ضمن الواح متعدد دیگری که پس از آن نازل شد تکمیل گردید. این کتاب و الواح متمم آن شامل اصولی از قبیل تشکیل اتحادیه جهانی ملل، ترویج یک لسان عمومی، پول واحد، وضع مالیات های تصاعدی، سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات و تساوی حقوق زن و مرد میباشد که همه این اصول نسبت به موازین آن زمان بسیار پیشرفته و انقلابی بود، هر چند که بعداً بعضی از آنها از نظر اصولی پذیرفته شده ولی هیچیک تا کنون کاملاً مرحله عمل در نیامده است. یکی دیگر از آثار مهم این دوره "کتاب عهد" میباشد که ضمن آن حضرت بهاءالله پسر ارشد خود، حضرت عبدالبهاء را بعنوان رهبر جامعه بعد از خود تعیین فرموده و به ایشان اختیار تفسیر و تبیین آثار خویش را داده اند.

در سالهای آخر حیات حضرت بهاءالله، رؤسای محلی ترک (که بسیاری از آنها پس از این مدت تحت تأثیر شخصیت روحانی ایشان قرار گرفته بودند) به ایشان اجازه دادند که زندان را ترک نموده در خانه ای که حضرت عبدالبهاء در نزدیک عکا تهیه کرده بودند سکونت اختیار نمایند. در این محل بود که اندکی قبل از آنکه این جهان را ترک نمایند (۲۹ می ۱۸۹۲) ادوارد براون، مستشرق معروف انگلیسی، به حضور

ایشان رسید. این شخص تنها فردی است از سرزمین غرب که شرح ملاقات خود را با ایشان برشته تحریر در آورده است. او مینویسد :

"دو چشم به جمالی افتاد که هرگز فراموش نخواهم کرد و از وصف آن عاجزم. آن چشمان نافذ تا اعماق روح انسان نفوذ میکرد و از آن جبین قدرت و عظمت نمودار بود. خطوط عمیق پیشانی حاکی از کبر سن بود ولی انبوه گیسوان و محاسن سیاه و پریشانی که بیکدیگر آمیخته و تقریباً تا کمر میرسید خلاف آن را می نمود. مپرس در حضور چه شخصی ایستادم و به چه منبع تقدیس و عشقی سر فرود آوردم که پادشاهان عالم غیظه ورزند و امپراطورهای امم حسرت برند." (۵)

حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱ - ۱۸۴۴) که همواره مورد لطف و محبت خاص پدر بزرگوار خود بودند و از طرف ایشان "سرکار آقا" خطاب میشدند دارای شخصیت روحانی بسیار برجسته و استثنائی بودند. در طول سالهای آخر حیات حضرت بهاءالله مسئولیت سنگین اغلب امور برعهده ایشان بود که به نیابت از طرف پدر خود با اولیای امور و مراجعین ملاقات میکردند و به امور رسیدگی می نمودند. حضرت عبدالبهاء تا هفده سال بعد از حضرت بهاءالله در شهر عکا و حومه آن همچنان بصورت زندانی و تحت نظر دولت عثمانی بسر بردند و در این مدت چندین بار بر اثر سخن چینی و تحریکات دشمنان حتی جان ایشان در معرض تهدید قرار گرفت.

در طی این سالها یکی از بهائیان لبنان بنام ابراهیم خیرالله که از یک خانواده مسیحی بود بنا به اراده و تصمیم خود برای انتشار آئین بهائی به آمریکا رفت. با ورود او ظرف مدت کوتاهی حدود چند صد نفر به این آئین ایمان آوردند که آنها را میتوان اولین مومنین غربی بشمار آورد. از سال ۱۸۹۸ بتدریج بعضی از این مومنین در دسته های کوچکی برای ملاقات با حضرت عبدالبهاء به عکا مسافرت میکردند. بر اثر سئوالات این گروه از زائرین بود که حضرت عبدالبهاء رابطه بین دیانت بهائی و مسیحیت را روشن ساخته و بسیاری از مسائلی را که مورد توجه مردم غرب میباشد توضیح داده اند. بعضی از پاسخ های ایشان باین نوع سئوالات در کتاب "مفاوضات" جمع آوری شده است.

حضرت عبدالبهاء پیوسته مایل به مسافرت به غرب بودند تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۰۹ هنگامی که با روی کار آمدن دولت جدید ترکیه از زندان آزاد شدند این فرصت فراهم گردید. ایشان از سن نه سالگی که همراه پدر بزرگوار خود در تبعید بسر می بردند تا آن زمان هیچگاه از نعمت آزادی برخوردار نبودند. اکنون که امکان یک چنین سفر پر هیجانی فراهم گشته بود بخاطر ضعف قوای جسمانی که نتیجه سالیان متمدای اسارت و زندان بود این سفر به تعویق افتاد. سرانجام توانستند در سال ۱۹۱۱ به اروپا (فرانسه - سوئیس - انگلستان) و در سال ۱۹۱۲ به آمریکای شمالی مسافرت نمایند. سفر ایشان از شرق به غرب آمریکا و بازدید از کانادا حدود هشت ماه بطول انجامید. در این سفرها ایشان با نفوس متعددی از طبقات مختلف مردم، از اعضای کابینه گرفته تا مردمان محله های فقیر نشین، با مذاهب گوناگون و عقاید سیاسی متفاوت از جمله سوسیالیستها، گروههای رادیکال و طرفداران اتحادیه های اصناف ملاقات نمودند و در مجامع خطابات متعددی ایراد نموده که ضمن آن اهداف و اصول دیانت بهائی را، بدون تأکید بر این آئین، بطور مفصل بیان فرمودند. ایشان در مورد لزوم ترک تعصبات نژادی در ایالات متحده و قریب الوقوع بودن جنگ بزرگی بین ملل جهان هشدار دادند و

با اشاره به اصل وحدت ادیان، حقانیت حضرت محمد را برای مسیحیان و حضرت مسیح را برای یهودیان اثبات نمودند. بسیاری از سخنرانی های ایشان در آمریکا و اروپا جمع آوری و تحت عنوان "خطابات حضرت عبدالبهاء" منتشر گردیده است. ایشان با کلام گرم، محبت آمیز، آمیخته با لطایف شیرین و در عین حال ساده و خردمندانه خود قلوب هزاران نفر را تسخیر نموده حرارتی جدید در کالبد جامعه بهائی غرب دمیدند.

بزودی پس از بازگشت حضرت عبدالبهاء به فلسطین جنگ جهانی اول همانگونه که پیش بینی فرموده بودند آغاز شد و بار دیگر ارتباط ایشان با مومنین غربی قطع گردید. در طول این مدت بحرانی ایشان به یاری مردم فلسطین که بر اثر جنگ و کمبود مواد غذایی در خطر قحطی قرار گرفته بودند شتافتند و کمک به این مردم مصیبت دیده را وجهه همت خود ساختند. این کمکها آنچنان مؤثر واقع گردید که بعد از جنگ، دولت بریتانیا برای تجلیل از این خدمات انسان دوستانه به ایشان لقب "سیر" اعطا نمود. همچنین در این دوران ایشان با ارسال مکاتیبی به بهائیان آمریکا و کانادا در مورد نشر و پیشبرد امر الهی راهنمایی هائی ارائه نمودند. در اواخر جنگ بار دیگر ایشان از ناحیه مقامات ترکیه مورد تهدید قرار گرفتند ولی قبل از آنکه به ایشان لطمه ای وارد شود با تغییر اوضاع خطر رفع گردید. هنگامی که حضرت عبدالبهاء در نوامبر سال ۱۹۲۱ عالم فانی را وداع گفتند، قریب ده هزار نفر از ادیان و مذاهب و فرق گوناگون از جمله مسلمانان، مسیحیان، دروزها و یهودیان در مراسم تشییع و سوگواری ایشان که در نوع خود کاملاً بیسابقه بود شرکت جستند.

حضرت عبدالبهاء ضمن وصایای خود نوه ارشد خویش، شوقی ربانی را با لقب "ولی امرالله" بعنوان جانشین خود و رهبر جامعه بهائی و مبیین و مفسر الواح و آثار تعیین فرموده بودند. حضرت شوقی ربانی در آن موقع در دانشگاه آکسفورد مشغول تحصیل بودند و بزرگترین آرزوی ایشان ترجمه آثار حضرت بهاءالله به زبان انگلیسی بود. از دست دادن غیر منتظره و نابهنگام پدر بزرگ مهربان از یک طرف و مسنولیت سنگین و خطیری که بطور ناگهانی بر عهده ایشان گذاشته شده بود از طرف دیگر ضربه شدیدی به ایشان وارد ساخت. پس از مدتی که غرق تألم و اندوه بودند سرانجام برای ایفای وظیفه ای که برایشان مقدر شده بود قیام نمودند و برای مدت سی و پنج سال یعنی تا لحظه مفارقت خود از این عالم مادی که در سال ۱۹۵۷ واقع شد با راهنمائیهای خردمندانه خود جامعه جهانی بهائی را رهبری نمودند.

شاید بتوان گفت که بزرگترین موفقیت حضرت ولی امرالله تربیت و هدایت جامعه تازه تأسیس بهائی در شرق و غرب عالم بود، بطوریکه افراد این جامعه را قادر ساخت تا در پیروی از عالی ترین موازین اخلاقی و همچنین تأسیس و گسترش مؤسسات بهائی در سراسر جهان همت بگمارند. حضرت ولی امرالله بکمک مکاتبه و ارسال تلگراف به جوامع بهائی در سراسر جهان و نیز ملاقات حضوری با احبائی که به ارض اقدس می آمدند از عهده انجام این امر مهم بر آمدند. همینکه حضرت ولی امرالله تشخیص دادند که جامعه بهائی قدرت و صلاحیت کافی پیدا کرده است شروع به طرح نقشه هائی جهت گسترش و پیشبرد امر نمودند که از سال ۱۹۳۷ آغاز گردید و برای اجرای آن بسیاری از بهائیان شهر و دیار خود را ترک کرده، بمنظور تأسیس مراکز بهائی در سایر نقاط جهان راهی سرزمین های دیگر شدند. هنگامی که حضرت ولی امرالله این عالم فانی را ترک گفتند آئین بهائی (که در سال ۱۹۲۱ صرفاً منحصر به ایران و چند کشور

همجوار آن در خاور میانه و آمریکای شمالی و چند جامعه کوچک در اروپا بود) در ۲۰۰ کشور و ایالت مستقل جهان مستقر گردیده بود. همچنین جامعه جهانی بهائی ابتدا با جامعه ملل و سپس با سازمان ملل متحد ارتباط برقرار کرده و از طرف سازمان ملل متحد بعنوان یک سازمان رسمی غیر دولتی پذیرفته شده بود.

در طی این دوره ترجمه هائی از آثار مهم حضرت بهاءالله به انگلیسی، شرح مبسوط و مستندی از وقایع صد سال اول تاریخ بهائی و هزاران توییح و مکتوب به انگلیسی و فارسی از قلم حضرت ولی امرالله جاری گردید. گسترش و تکمیل مرکز جهانی بهائی در دامنه کوه کرمل در حیفا (که توسط حضرت عبدالبهاء و بنا به اراده حضرت بهاءالله آغاز شده بود) نیز یکی دیگر از امور مهمی بود که بطور مداوم وقت حضرت ولی امرالله را اشغال میکرد. معروف ترین بنای مرکز جهانی بهائی در آن زمان مقام اعلی، محل استقرار عرش مظهر حضرت باب بود که در زمان حضرت عبدالبهاء با مشکلات و مخاطرات فراوان از ایران به آن مکان منتقل شده بود.

حضرت ولی امرالله ضمن آخرین نقشه ای که در زمان حیات خویش برای پیشبرد جهانی امر طرح فرمودند (نقشه دهساله ۱۹۶۳-۱۹۵۳) تشکیل ۴۸ محفل ملی یعنی معادل چهار برابر تعداد محافل ملی آن زمان را تا پایان نقشه لازم تشخیص دادند که وجود این تعداد را برای تشکیل بیت العدل اعظم کافی میدانستند. همچنین با انتصاب بیست و هفت نفر "یادی امر" تشکیلات انتصابی امر را احیاء و تقویت فرمودند. وقتیکه ایشان عالم فانی را وداع گفتند روشن گردید که جانشینی برای تصدی مقام ولایت امر تعیین ننموده اند ولی از قرائن و شواهد و با مراجعه به نوشته ها و آثار ایشان استنباط گردید که منظور آن بوده که تا زمانی که بیت العدل اعظم بموقع خود در پایان نقشه انتخاب گردد ایادیان امر بطور دستجمعی اداره امور جامعه را بعهدہ گیرند. بنابراین بر طبق این برنامه رفتار شد. انتخاب اولین بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ ضمن یک کنگره جهانی بهائی در "آلبرت هال" لندن برگزار گردید. در این کنگره حدود ۷۰۰۰ نفر از سراسر جهان از ملیت ها، فرهنگها و نژادهای گوناگون، از جمله مردمانی از قبایل آفریقا، آسیا، جزایر اقیانوس آرام و قاره آمریکا شرکت داشتند. بعقیده نویسنده جای آن دارد که این کنگره را بعنوان اولین اجتماع واقعی مردم معمولی جهان در تاریخ توصیف نمایم (در مقایسه با مجامعی که از سیاستمداران، متخصصین و یا سایر صاحبان مشاغل تشکیل گردیده است).

از زمان اولین انتخابات بیت العدل اعظم که حدود یک ربع قرن میگذرد یک سلسله نقشه های جهانی به سبک حضرت ولی امرالله طرح و اجراء گردیده که موجب توسعه، تقویت و گسترش مداوم و تدریجی جامعه بهائی در جهان شده است بطوریکه تا سال ۱۹۸۶ جامعه بهائی موفق به تشکیل ۱۴۸ محفل روحانی ملی (در مقایسه با ۵۶ محفل ملی در سال ۱۹۶۳) و حدود ۳۳۰۰۰ محفل روحانی محلی گردیده بود. همچنین این آئین در ۱۱۹۰۰۰ محفل، در ۱۱۶ کشور و ۴۸ جزیره و ایالت مستقل جهان مستقر گردیده بود (به جدول شماره ۲۹ مراجعه شود). تعداد بهائیان در سراسر جهان ۴/۷ میلیون نفر بود که شامل مردمی از ۲۰۰۰ گروه قومی مختلف میشود (۶) و آثار و کتب بهائی به بیش از ۷۰۰ زبان زنده جهان ترجمه گردیده بود (آمار مربوط به سال ۱۹۸۲).

در طول بیست و پنج سال گذشته، کوششهای قابل ملاحظه ای نیز در جهت توسعه و

گسترش دامنه مسئولیتهای محافل محلی و بالا بردن سطح معلومات و معارف افراد جامعه نسبت به اصول و اهداف این آئین بعمل آمده است. جامعه بهائی همگام با رشد و پیشرفت خود قادر گردیده است که طرحهای متعدد و روز افزونی را در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی، هم در داخل جامعه خود و هم جامعه خارج بمرحله اجراء بگذارد. بعضی از این طرحها با همکاری سایر مؤسسات توسعه و عمران مانند نهادهای وابسته به سازمان ملل و یا دولت کانادا همراه بوده است. یکی از اقدامات مهم اخیر جامعه بهائی انتشار بیانیه صلح در ارتباط با سال بین المللی صلح میباشد که به دبیر کل سازمان ملل متحد و رهبران اکثر کشورهای جهان و تعداد زیادی از اندیشمندان و افراد برجسته ای که در موقعیت های مهم اجتماعی بوده اند ابلاغ گردیده است.

این پیشرفتهای و موفقیتها در حالی حاصل شده است که جامعه بهائی ایران پیوسته تحت فشار و تضییقات قرار داشته و این وضع از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در این کشور شدت یافته است. اگر چه این مصائب بسیار سخت و موخش میباشد و در واقع میتوان گفت شدیدترین تضییقاتی بوده که جامعه بهائی بعد از قرن گذشته تا کنون با آن رو برو شده است، ولی موجب گردیده که احساس همبستگی و محبت در بین افراد این جامعه بیش از پیش تقویت گردد و همچنین این آئین در سراسر جهان در مقیاسی که هرگز تا کنون سابقه نداشته است مورد توجه و شناسائی قرار گیرد.

حال بهتر است در مقام پاسخگویی به پرسشهایی که در آغاز این فصل مطرح گردید بر آئیم. در وهله اول ممکن است توانائی این آئین در جذب مردم جهان تا حدی مورد شک و شبهه قرار گیرد، چه که $\frac{4}{7}$ میلیون نفر پیروان آن فقط بخش کوچکی از مجموع جمعیت جهان را که $\frac{4}{8}$ میلیارد میباشد تشکیل میدهند و از نظر تعداد پیروان در حال حاضر قابل مقایسه با سایر ادیان بزرگ نیست. اما توجهی دقیق تر به آمار و ارقام این نظر را تغییر میدهد. اولاً میزان رشد و گسترش این آئین علیرغم موانع و مشکلات عظیمی که بر سر راهش بوده سریع تر از هر یک از ادیان دیگر در جهان بوده است. (۷) تعصب و پیروی کورکورانه از ارزشهای منسوخ شده پیشین در بین بسیاری از پیروان ادیان کهن (بخصوص رهبران آنها) غلبه دارد، در حالیکه از سوی دیگر گرایش کلی جامعه بشری بسوی ماده گرایی میباشد که این خود بی تفاوتی، شک و بدبینی در باره دین را بطور کلی تقویت میکند. با توجه به چنین وضعی باز تعداد بهائیان نسبت به تعداد پیروان سایر ادیان بزرگ در صد سال اول تأسیس کاملاً قابل ملاحظه میباشد. (۸) از این گذشته تجارب در طی پنجاه سال اخیر نشان داده است که هر گاه عقیده ای در ذهن و وجدان عمومی نفوذ نماید مانند شعله ای سرکش در سراسر جهان منتشر میگردد بخصوص که وسائل ارتباطی جدید نیز این روند را تسریع می نماید و هر گونه کوششی هم که در جهت متوقف کردن آن بعمل آید بجائی نمیرسد. اما تنوع و گوناگونی مردمی که از نژادها، اقوام و ملل مختلف جهان به این آئین جذب شده اند صرفاً بیشتر از تعداد پیروان نمایانگر قدرت ذاتی این آئین در متحد نمودن مردم جهان میباشد.

یکی از جنبه های قابل ملاحظه این تنوع و گوناگونی که آئین بهائی را از سایر جنبش ها مشخص و ممتاز میسازد قدرت آن در جذب نفوس از همه ادیان و مذاهب جهان اعم از زردشتی، هندو، بودائی، یهودی، مسیحی و مسلمان میباشد. علت عمده این اقبال همه جانبه آنست که دیانت بهائی پیشگونی ها و وعده های کتب مقدسه ادیان

جدول شماره ۲۹

آمار جامعه جهانی بهائی

الف : رشد جامعه در طول پنجاه سال

تعداد :	(۱)۱۹۳۳	(۱)۱۹۴۴	۱۹۵۳	۱۹۶۳	۱۹۷۳	۱۹۸۶
محافل روحانی ملی	۹	۸	۱۲	۵۶	۱۱۳	۱۴۸
محافل روحانی محلی	۳۰۰	۵۰۰	۶۱۰	۳۵۱۹	۱۷۰۳۷	۳۲۸۵۲
جمعیت و نقاط بهائی کشورهای مستقلی که	۸۰۰	۱۹۰۰	۲۴۱۲	۱۰۷۴۹	۶۹۵۴۱	۱۱۶۶۷۴
جوامع بهائی دارند جزایر و سرزمینهای مهم	۴۶	۷۷	۱۲۸	۲۵۰	۱۴۱	۱۶۶ (۲)۴۸

ب : آمار جامعه جهانی بهائی در هر قاره در سال ۱۹۸۶

تعداد :	آفریقا	آمریکا	آسیا	اروپا	اقیانوسیه	مجموع
محافل روحانی ملی	۴۳	۴۱	۲۶	۲۱	۱۷	۱۴۸
محافل روحانی محلی	۷۲۵۸	۶۵۰۰	۱۷۵۲۴	۷۱۳	۸۵۷	۳۲۸۵۲
جمعیت و نقاط بهائی کشورهای مستقلی که	۳۵۶۱۲	۲۶۵۸۶	۴۸۷۳۰	۲۸۴۴	۲۹۰۲	۱۱۶۶۷۴
جوامع بهائی دارند جزایر و سرزمینهای مهم که	۵۱	۳۵	۳۶	۳۳	۱۱	۱۶۶
دارای جوامع بهائی هستند قبائل بومی ، نژادها و ملت‌هایی که در ظل دیانت بهائی در آمده اند (۱۹۸۴)	۶	۱۶	۳	۴	۱۳	۴۸
کشورهائی که بیش از یک درصد جمعیت آنها بهائی هستند	۱۲۵۰	۳۴۰	۲۵۰	۲۲	۲۵۰	۲۱۱۲
	۴	۱۳	۳	-	۱۵	۳۵

۱- ارقام تقریبی میباشد.

۲- علت پائین تر بودن این رقم در سال ۱۹۸۶ اینست که این اصطلاح بر اثر تقسیم بندی های جغرافیائی و سیاسی جدید تغییر یافته است. قبلاً این اصطلاح مناطقی را با تقسیم بندی هائی بر اساس عوامل جغرافیائی ، فرهنگی و قومی در بر میگرفت. منابع : گزارش اداره آمار و احصائی مرکز جهانی بهائی ، ژوئن ۱۹۸۶.

گذشته را با صحت و دقت کامل و شگفت آوری تحقق بخشیده است (۹) و از سوی دیگر ایمان باین آئین بهیچوجه مستلزم آن نیست که شخص عشق و اعتقاد خود را نسبت به پیامبر دین قبلی خود از دست بدهد. میزان قدرت بی مانند آئین بهائی در جذب پیروان سایر ادیان از آنجا ثابت میگردد که مثلاً یک یهودی بر اثر تعالیم این آئین بر تعصب عمیق خود غلبه می نماید و پس از ۲۰۰۰ سال که همکیشان او مورد ظلم و ستم مسیحیان بوده اند به تعالیم حضرت مسیح گردن می نهد، یا یک مسیحی پس از قرن‌ها که افکار مسموم کننده در باره اسلام در جوامع مسیحی انتشار یافته و مبارزات مسلحانه بین مسلمین و مسیحیان درگیر بوده است به حقانیت حضرت محمد اقرار میکند. در مورد گرویدن مسلمانان به این آئین علاوه بر وجود تعصبات مذکور، عامل خطر جانی را، بخصوص در محیط ایران باید در نظر داشت. این آئین نه تنها در بین پیروان ادیان نفوذ داشته بلکه در جذب دانشمندان (از جمله آگوست فورل، دانشمند سوئیسی و ریچارد سنت بارب بیکر پیشرو نهضت محیط زیست) نیز توانائی خود را به ثبوت رسانده است زیرا ایمان به این امر مستلزم اعتقاد به اموری که با حقایق علمی در تضاد باشد نیست. از سوی دیگر کسانی که قبلاً بی دین و یا حتی منکر وجود خدا بوده اند نیز در ظل این آئین وارد شده اند، چه که دید ماده گرایانه خود را نسبت به جهان هستی نارسا و ناکافی یافته اند.

برای نژادهای غیر سفید پوست و اقلیت های قومی یک جنبه مثبت و امیدوار کننده تعالیم بهائی تأکید در مورد تساوی افراد بشر و ارج نهادن به تنوع فرهنگی میباشد. در غرب برای سالیان دراز سیاستی اتخاذ گردیده بود تا ملل شرق در مقابل پیشرفتهای صنعتی و اجتماعی غرب احساس عقب افتادگی و حقارت نمایند، احساسی که بطور مکرر با رفتار مبلغین مسیحی که نسبت به آداب و رسوم محلی حالتی انتقاد آمیز داشتند و پیوسته به قبائل گوشزد می نمودند که اجداد آنها که به حضرت مسیح مؤمن نبوده اند به لعنت ابدی مبتلا هستند تقویت میشد که البته چنین احساسی برای این مردم که تعلقات قومی شدید دارند و به تاریخ گذشته خود اهمیت میدهند بسیار دردناک میباشد. آئین بهائی با دیدی کاملاً متفاوت به مردم قبائل مختلف امکان میدهد تا از موجودیت خود احساس سربلندی نمایند و بدانند که فرهنگ آنها نیز باندازه سایر فرهنگها ارزشمند و در پیشبرد تمدن بشری مؤثر بوده است. باین ترتیب مثلاً سرخ پوستان آمریکا پس از قرن‌ها برای اولین بار به دست آوردهای پیشینیان خود توجه نموده اند. یک مورد جالب که نویسنده خود شاهد آن بوده است آنست که یک زن سیاهپوست از کیپ تاون، در آفریقای جنوبی اظهار میداشت که از هنگامی که در ظل آئین بهائی وارد شده است برای اولین بار احساس کرده که یک انسان است. برای بعضی از اقوام مانند سرخ پوستان آمریکای شمالی آئین بهائی دارای این امتیاز نیز میباشد که با پیشگونی های مذاهب سنتی آنها تطبیق پیدا میکند و باین ترتیب سوء ظن آنها را نسبت به ادیان و مذاهب دیگر که در گذشته موجب تحقیر فرهنگ قومی آنها گردیده اند بر طرف میسازد. در واقع جامعه بهائی در حال حاضر به وجود ۱۱۵ محفل روحانی محلی در مناطق سرخ پوست، در آمریکای شمالی افتخار میکند.

بعد دیگر تنوع پیروان این آئین برطرف نمودن شکاف بین دو نسل میباشد چه که قادر بوده هم جوانان و هم بزرگسالان را بخود جلب نماید. جوانان غرب باین جهت به امر بهائی روی می آورند که در پی کمال مطلوب، یافتن هدف و جهتی در زندگی، پیدا

کردن راهی بهتر از جنگ و خواهان وجود یک قانون اخلاقی قاطع، روشن و منطقی میباشند. جنبه اخیر یعنی برخورداری از یک نظام اخلاقی منطبق با عقل و منطق برای پدر و مادرها هم که بر اثر شیوع مفاسد در جامعه امروز نگران آینده فرزندانسان هستند و مشتاقانه در جستجوی موازین اخلاقی میباشند بسیار ارزشمند است. گاهی بعضی از پدر و مادرها وقتی متوجه میشوند که فرزندانسان به آئین بهائی گرویده اند در وهله اول دچار وحشت میشوند، چه که تصور میکنند این آئین هم یکی دیگر از فرقه هائی است که موجب بروز تفرقه در خانواده ها میگردد و آداب و رسوم عجیب و غیر عادی را ترویج می نماید ولی وقتی به تعالیم بهائی پی میبرند طرز دید و قضاوتشان بکلی تغییر میکند. حتی موارد متعددی پیش آمده که به مصداق گفته حکیمانه ویلیام وردورث که میگوید "اطفال پدر بشریت هستند" فرزندان موجب هدایت والدین خود به این آئین گردیده اند.

بدیهی است تعالیم بهائی از آنجائی که اصل تساوی حقوق زن و مرد را ترویج می نماید مورد توجه خاص زنان نیز میباشد. این تعالیم با بینشی عمیق تر نقش زن را بعنوان یک فرد آزاد و شاغل در جامعه و نیز وظیفه او را بعنوان مادر و عضو خانواده با هم سازش داده است و باین ترتیب زنان را که از آغاز جنبش های تساوی حقوق سعی داشته اند موقعیت خود را در جامعه ای که هنوز به مفهوم واقعی تساوی جنسی پی نبرده است تثبیت نمایند مورد حمایت خاص قرار داده است.

همچنین این آئین همانگونه که در شرق جاذبه و گیرائی داشته در غرب نیز توانسته است نفوس گوناگون از طبقات مختلف جامعه را به خود جذب نماید. از ملکه رومانی و لیدی بلامفیلد، اشراف زاده انگلیسی گرفته تا اساتید دانشگاههای ییل و آکسفورد، تا کارکنان شرکت های بیمه، کارمندان ساده، ماهیگیران "داون شایر" و زارعین ایالات جنوبی آمریکا، از هنرمندانی مانند مارک تویی و برنارد لیچ گرفته تا کارل لمبارد، هنرپیشه سینما و دیزی گلیپسی، هنرمند جهانی موزیک جاز (در اینجا فقط به این چند نام اکتفاء میشود)، همه گونه مردمی در ظل این آئین وارد شده و زندگی خود را وقف نیل به اهداف آن نموده اند. دامنه این جاذبه به قلمرو سیاست نیز کشیده شده است. سیاستمداران محافظه کار مجذوب موازین عالی اخلاقی آئین بهائی و تأکید آن بر نظم و قانون میباشند. آزادی خواهان بیشتر به روح آزادی، مشورت و تحری حقیقت مستقل و آزادانه فردی توجه دارند. حال آنکه برای جناح چپ توجه خاص به برطرف نمودن فقر در جهان و ارائه روشهای عملی جهت کاهش اختلافات طبقاتی حائز اهمیت است.

در اینجا لازم است که به جنبه دیگری از تنوع و گوناگونی عناصر تشکیل دهنده جامعه بهائی اشاره گردد. همانطور که از شرح فوق برمی آید بسیاری از کسانی که دیانت بهائی را می پذیرند خود قبلاً در مقابل عالی ترین اصول اخلاقی و موازین اجتماعی متعهد بوده اند و در واقع در این آئین تحقق آرمانهای خود را یافته اند. اما افراد دیگری هم هستند که شاهد چهره کریه و خشن زندگی بوده و از نقاط ضعف مختلفی مانند اعتیاد به الکل و مواد مخدر رنج کشیده اند. این گروه در دیانت بهائی برای خود پناهگاهی می جویند که در ظل آن بتوانند با کمک دیگران از مصائبی که به آن مبتلا هستند رهائی یابند، بدون آنکه بخاطر نقطه ضعف خود مورد تحقیر عناصر مترجع واقع شوند.

بدیهی است در جامعه ای که در بر دارنده یک چنین تنوع وسیعی در همه زمینه ها میباشد طبعاً در جریان رشد و تکامل روحانی گاهی ممکن است بین افراد برخوردارهائی پیش بیاید که موجب رنجش و حتی کناره گیری بعضی از آنها از جامعه گردد. آنچه حائز اهمیت است اینست که در بسیاری از این موارد کسانی که جامعه بهائی را ترک کرده مآلاً مجبور به بازگشت شده اند چه که با خوگرفتن به این جامعه دیگر اجتماع بیرون برایشان سرد، محدود، سطحی و تهی بوده است.

اما در مورد اتحاد و درجه تعهد یک چنین جامعه وسیع و متنوعی در قبال اهداف خود و نیز فداکاری و جانفشانی اعضای آن هنگام رویارویی با حملات مخالفین، آیا شواهدی وجود دارد؟ تجارب تاریخی نشان میدهد که جنبش های ترقی خواهی که از اهمیت خاصی برخوردار میباشند همیشه مورد مخالفت قدرت حاکم بر جامعه بوده و تحت فشار و تضییقات شدید قرار گرفته اند، حتی اگر اصولی که ارائه داده اند به نفع همه افراد جامعه و از جمله خود کسانی که با شدت و خشونت در مقابل آن ایستادگی کرده اند بوده است. مطمئناً پیروان همه ادیان بزرگ در سالهای اولیه تأسیس شدیداً مورد مخالفت و ظلم و ستم واقع شده اند و البته دیانت بهائی از این قاعده مستثنی نیست. همچنین همانند سایر ادیان، پیروایان این آئین بوده اند که در هنگام بروز مصائب سرمشق استقامت و از جان گذشتگی قرار گرفته اند. حضرت باب پس از تحمل رنج و مشقت فراوان و گذراندن سه سال زندانی به شهادت رسید. حضرت بهاءالله مورد ضرب و شتم قرار گرفت، زندانی گردید، همه اموالش بتاراج رفت و خود و خانواده اش تا پایان عمر در تبعید بسر بردند. حضرت عبدالبهاء برای مدت چهل سال در اسارت و زندان بود و بطور مکرر حیاتش در معرض تهدید قرار داشت.

این فداکاریها عمیق ترین عشق را نسبت به این نفوس مقدسه در قلوب مؤمنین این آئین شعله ور ساخته است. تعهد و قاطعیت این نوادر زمان در قبال تعالیم جدید به هزاران نفر از پیروان آنها الهام بخشیده تا در مقابل مخالفتها و مصائب وارده با استقامت کامل ایستادگی نمایند. این مصائب و مشکلات در سرزمین اصلی این آئین یعنی ایران با شدید ترین شکل خود نمایان گشته و از همان ابتدا تقریباً بطور پیوسته ادامه داشته ولی در نیمه قرن نوزدهم با خشونت و خونریزی فوق العاده ای که منتهی بقتل چندین هزار نفر گردید همراه بوده است. هر چند که پس از آن، شرایط بطور کلی تا حدی بهتر شده ولی جامعه بهائی ایران پیوسته در معرض تهدید قرار داشته و باین لحاظ مجبور بوده است که در نهایت احتیاط به فعالیتهای معمولی خود ادامه دهد. مثلاً هر چند وقت یکبار افراد این جامعه مظلوم در معرض حملات خشونت آمیز و قتل و غارت قرار گرفته اند، چنانچه در سالهای ۱۸۷۴ (در اصفهان)، ۱۸۸۹ (در نجف آباد)، ۱۸۹۱ (در یزد)، ۱۸۹۶ (در تربت حیدریه)، ۱۸۹۹ (مجددأ در نجف آباد)، ۱۹۰۳ (در رشت و یزد) (۱۰) و ۱۹۲۶ (در جهرم) حملات خشونت باری علیه بهائیان صورت گرفت و در سال ۱۹۵۵ دولت شاهنشاهی ایران بمنظور تأمین رضایت خاطر روحانیون شیعه، تحت فشار قرار دادن جامعه بهائی را در آن کشور سیاستی آسان و عملی تشخیص داد. فقط با اعتراض عمومی سازمان ملل متحد و چندین کشور عضو و از جمله آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، این فشارها و مظالم تا حدی متوقف گردید.

بعد از انقلاب و برقراری جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ نیز بار دیگر وضع

بهائیان در این کشور بحرانی گردید. نمایندگان رسمی دولت (از جمله دادستان کل) بطور مکرر ضمن سخنان خود به ریشه کن کردن جامعه بهائی ایران، جامعه ای که با جمعیتی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر بزرگترین اقلیت مذهبی این کشور میباشد، اشاره کرده اند. حکومت جدید جمهوری اسلامی با اجرای طرح جامع و وسیعی علیه جامعه بهائی از طریق اعدام ۲۰۰ نفر از افراد فعال این جامعه تا کنون (۱۱)، شکنجه و زندانی نمودن آنها (حدود ۷۰۰ نفر در هنگام نوشتن این سطور هنوز در زندان هستند)، محروم نمودن آنها از حق مالکیت، استخدام، بازنشستگی، ورود به مدارس و دانشگاهها و تخریب امکان مقدسه آنها، با تمام قوا سعی در ریشه کن ساختن این جامعه بی پناه نموده است.

نکته ای که در مورد مظالم وارده بر بهائیان ایران قابل تعمق میباشد اینست که این افراد صرفاً با انکار مذهب خود میتوانند از این مصائب رهایی یابند (۱۲) یعنی در واقع بر خلاف یهودیان در آلمان نازی و یا طبقه روشنفکر کامبوج، افراد جامعه بهائی خود تا حدی بمیل و اراده خود در معرض این ستمها قرار میگیرند. در رژیم جدید اسلامی ایران نه تنها بهائیان بلکه هزاران نفر دیگر هم اعدام شده اند ولی نکته ای که بهائیان را از سایرین متمایز میسازد اینست که آنها بر طبق معتقدات خود نسبت به حکومت مطیع و وفادار بوده اند مثلاً هنگامی که از طرف دولت به آنها دستور داده شد که تشکیلات اداری خود را منحل سازند آنها فوراً بدون هیچگونه مقاومتی اطاعت نمودند، در حالیکه اکثر غیر بهائینی که اعدام شده اند یا از سیاستمداران فعال رژیم پیشین بوده و یا در مبارزات مسلحانه علیه رژیم کنونی دست داشته اند.

به جرأت میتوان ادعا نمود که اگر بخاطر نظارت دائمی مجامع بین المللی مانند سازمان ملل متحد، دول مختلف، مؤسسات حقوق بشر و مطبوعات جهان بر این جریانها نبود، جامعه بهائی ایران بسیار بیشتر از این تحت فشار و ستم قرار میگرفت. در وضع کنونی، عاملان این جنایات بمنظور پنهان نگهداشتن انگیزه اصلی خود، مجبور شده اند بسیاری از عملیات شرم آور خود را شبانه و در خفا و با اتکاء به اتهامات دروغین و مضحکی از قبیل جاسوسی برای اسرائیل و سایر دول غربی بمرحله اجرا بگذارند. (۱۳)

در حقیقت علت اصلی این مخالفتها آن است که این آئین یک دین جدید و زنده است که میتواند مردم را از همه ادیان و مذاهب و از جمله اسلام بخود جلب نماید. با توجه به اصول مترقیانه این جنبش، تعالیمی که بیشتر موجب برانگیختن خشم و مخالفت عناصر مرتجع گردیده است عبارتند از تساوی حقوق زن و مرد (که باین جهت بهائیان را به ترویج فحشا و بی بند و باری متهم نموده اند) و وحدت عالم انسانی که آن را اصلی مغایر میهن پرستی توصیف کرده اند. (۱۴) حتی گاهی بهائیان به گرایش های کمونیستی نیز متهم شده اند.

هر چند که تضییقات جامعه بهائی در ایران شدت زیادی داشته ولی مسلماً این وضع تنها به ایران منحصر نبوده است، بلکه در اکثر کشورهای اسلامی بهائیان مجبور بوده اند که در زندگی روزانه خود بسیار محتاط باشند، در بعضی از این کشورها آنها زندانی شده، مورد تهدید و حتی در خطر مرگ قرار گرفته اند. وضع این جامعه بطور کلی در کشورهای غیر مسلمان بسیار بهتر بوده است اگر چه موارد متعددی حاکی از ابراز خصومت از ناحیه مسیحیان و یا مؤسسات مسیحی نیز ملاحظه شده است. مثلاً افراد قبیله سرخ پوست "مایان" در آمریکای مرکزی از وقتیکه به آئین بهائی ایمان

آورده اند از دریافت کمک های درمانی در بیمارستانهای آن منطقه که توسط کلیسا اداره میشود محروم شده اند. همچنین در آلاسکا بر اثر مداخله بنیاد گرایان مسیحی از استخدام بهائیان در دوایر دولتی جلوگیری بعمل آمده است. چندین روحانی مسیحی نیز سعی نموده اند با پخش نشریاتی امر بهائیان را مورد حمله قرار دهند. (۱۵) آئین بهائیان مورد حمله مکتب های سیاسی نیز قرار گرفته است. حزب نازی سعی در از بین بردن جامعه بهائیان آلمان نمود چون اصول دیانت بهائیان بوضوح با اهداف آن حزب در اصطکاک قرار میگرفت. در روسیه بعد از انقلاب سال ۱۹۱۷ حکومت جدید بلشویکی ابتدا نسبت به جامعه کوچک بهائیان سیاستی اغماض آمیز و ملایم در پیش گرفت چون این عقیده در مقایسه با کلیسای ارتدکس روسی بسیار پیشرفته تر بنظر میرسید ولی بعداً در دهه ۱۹۳۰ در طی دوران ترور و سرکوبی، بهائیان بشدت مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

همچنین دیانت بهائیان با مخالفت هائی از درون نیز مواجه بوده و آنها را پشت سر گذاشته است. همانطور که قبلاً اشاره شد برادر ناتنی خود حضرت بهاءالله علیه مقام ایشان سر بطغیان برداشت و سالها سعی کرد که پیروان این آئین را علیه بنیان گذار اصلی آن تحریک نماید ولی فقط تعداد بسیار کمی باو گرویدند بطوریکه ادوارد براون که در دهه ۱۸۹۰ از ایران دیدن کرده و خود شخصاً با جوامع مختلف بهائیان ملاقات نموده این موضوع را تأیید کرده است. ادوارد براون همچنین متوجه شده بود که ازلی ها (پیروان ازلی، برادر ناتنی حضرت بهاءالله) مانند سایر افراد جامعه ایران در آن زمان دچار اعتیاد به تریاک بودند، حال آنکه بهائیان بشدت از این ماده اجتناب می نمودند. ازل خود در سال ۱۹۱۲ در جزیره قبرس در گمنامی و تنهائی در گذشت. حضرت عبدالبهاء نیز در ابتدای تصدی مقام رهبری خود با مخالفت کسانی که نسبت به مقام ایشان سر بطغیان برداشته بودند مواجه گردید. یکی از این افراد ابراهیم خیرالله، یکی از متنفذترین مبلغین بهائیان در ایالات متحده بود که میخواست در مقابل مقام رهبری حضرت عبدالبهاء رهبری جامعه بهائیان غرب را بعهده بگیرد و از این نظر انشعابی در امر ایجاد نماید ولی عده بسیار کمی به او گرویدند و حتی در آمریکا هم این نوع مخالفتها بجائی نرسید. مخالفین دیگر عده ای از افراد خانواده خود حضرت عبدالبهاء بودند که میخواستند از موقوفات و اماکن مقدسه امری بهره برداری شخصی نمایند. در زمان حضرت ولی امرالله هم کوششهای جهت ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه بهائیان بعمل آمد که همگی با شکست روبرو شد. بعد از حضرت ولی امرالله نیز یکی از ایادیان امر (که در آن زمان ۹۰ سال داشت و دچار اختلال حواس شده بود) مدعی مقام ولایت امر گردید. در تمام این موارد هر چند که جامعه بهائیان در رویارویی با این مخالفتها ناراحتی های بسیاری متحمل شده ولی اثر این مخالفتها بر جامعه بسیار اندک و ناچیز بوده است و "ناقضین" بزودی از جامعه اصلی جدا شده و پس از چندی منزوی و مفقود الاثر گردیده اند. شکست همه این مخالفتها خود نشانه مؤثر بودن اصولی است که برای حفظ اتحاد جامعه وضع گردیده است. این اصول عبارتند از روش دموکراتیک مشورت در تصمیم گیری، فقدان رهبری فردی و قاطع بودن مرجعیت الواح و آثار مقدسه که بغیر از حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله کسی حق تعبیر و تفسیر آنها را ندارد. بنابراین در حالیکه دیانت بهائیان همانند سایر ادیان بزرگ قبلی این توانائی را دارد که در برابر فشارها و مخالفتهای خارجی ایستادگی نماید،

در رویارویی با حملات و مخالفت‌های داخلی نیز بطوریکه تا کنون نشان داده است دارای قدرتی کاملاً استثنائی و منحصر بفرد میباشد.

فداکاری و از جان گذشتگی پیروان این آئین تنها به مقاومت آنها در مقابل مصائب و حملات مخالفت آمیز منحصر نمیگردد بلکه بسیاری از آنها با ترک علائق شخصی و ارائه خدمات و یا کمک های مالی مافوق طاقت خود به جامعه بهائی فداکارهای قابل ملاحظه ای از خود نشان داده اند. شاید بزرگترین فداکاری از ناحیه کسانی بوده است که بخاطر تأسیس جوامع جدید بهائی در سایر نقاط جهان، خانه و کاشانه خود را رها ساخته و در کشورهای بیگانه و سرزمینهای نامأنوس اقامت اختیار نموده اند. دیانت بهائی بکلی فاقد رهبران روحانی و یا مبلغین مذهبی حرفه ای است و از نظر تبلیغ و گسترش، کاملاً متکی به فعالیت افراد معمولی میباشد. این تعهد ناچار محدودیت‌هایی برای فرد ایجاد میکند ولی باید گفت که این فداکاریها است که موجب بوجود آمدن جامعه جهانی بهائی در یک چنین مدت کوتاهی گردیده است. بهائینی که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده اند میکوشند که عضوی از جامعه جدید باشند و بعنوان بیگانه رفتار ننمایند بلکه خود را خادمان سرزمینی که به آن وارد شده اند میدانند. آنها سعی میکنند جوامع جدیدی پایه گذاری نمایند که از نظر معنوی کاملاً خودکفا باشد. برای سالهای متعددی این مهاجرین بیشتر از ایران و آمریکای شمالی و قسمتهائی از اروپا و آسیا بودند ولی در چند دهه اخیر که محافل بیشتری تأسیس گردیده مهاجرین بهائی از کشورهای مختلف جهان میباشدند و باین ترتیب جنبه تنوع فرهنگی جوامع بهائی در سطح ملی و محلی در بسیاری از نقاط جهان تقویت گردیده است.

پرسش دیگری که در آغاز این فصل مطرح گردید اینست که آیا تا کنون در اجرای تعالیم حضرت بهاءالله چه موفقیت هائی حاصل شده است و آیا اصولاً موفقیت در جلب افراد از ملیت ها و فرهنگهای گوناگون و فداکاریها و از جان گذشتگی های پیروان این آئین چه نتایجی در بر داشته است ؟

اولین پاسخ مطمئناً اشاره به نفس وجود یک نظام اجتماعی زنده و فعال در هر یک از کشورهای جهان با پایگاههای استواری در روستاها، جنگلها، بیابانها، جزایر و شهرهای بزرگ و کوچک میباشد (حدود ۱۴۸ محفل روحانی ملی در حال حاضر). اکثریت قریب باتفاق این جوامع محلی با تشکیل جلسات مرتب، کمک به صندوق جامعه و برگزاری انتخابات با اصول نظم اداری و فن مشورت آشنا میشوند. این جوامع مجبورند با مشکلات مختلفی که اغلب خدمات افتخاری بهمراه دارد نیز مبارزه کنند. این مشکلات عبارتند از عدم تجربه کافی در امور اداری، کمبود منابع مالی، بُعد مسافت مخصوصاً در مناطقی که تسهیلات حمل و نقل وجود ندارد (مانند بسیاری از مناطق دور افتاده در کشورهای جهان سوم) و بی تفاوتی مردم نسبت به امور اجتماعی (چنانچه در بسیاری از کشورهای غربی و جوامعی که برای قرن‌ها اداره امور اجتماع را وظیفه دیگران میدانستند این بی تفاوتی وجود دارد). برای برطرف نمودن این مشکلات جوامع بشدت در حال تلاش و کوششی پی گیر و شمر بخش میباشدند. چنانچه نویسنده در چند مورد خود شاهد پیشرفت و تکامل اصول نظم اداری در محافل محلی که از تشکیل آنها بیش از یکی دو سال نمی گذشته بوده است، گرچه پیشرفت در چنین زمینه هائی را نمیتوان با آمار و ارقام مشخص نمود. با این حال هنوز راهی طولانی در پیش است و بخصوص در بسیاری از جوامع محلی باید سعی شود که عموم افراد

جامعه در فعالیت های مختلف شرکت نمایند. نمونه کامل کارآئی این نظام اجتماعی را میتوان در بیت العدل اعظم (هیئتی که در تاریخ جهان منحصر بفرد میباشد) و همچنین تعداد زیادی از کنفرانسهای بین المللی که در طی چند دهه اخیر برگزار گردیده است ملاحظه نمود. این کنفرانسها نه تنها نمونه گردهم آئی اصیل مردم عادی از همه نقاط جهان میباشند، بلکه عملاً نشان میدهند که چگونه چنین گروههای مختلف و متنوعی میتوانند با هم آهنگی و اتحاد نظر با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی نمایند.

موفقیت دیگر این آئین تأثیر استثنائی آن در زندگی مردم عادی جامعه میباشد. مثلاً تأکید بر تعلیم و تربیت و تحصیل علوم باعث گردیده که در طول زمان در جامعه بهائی ایران (که افراد آن تقریباً از همه طبقات و اقشار جامعه میباشند) میزان با سوادى به بیش از ۹۰ در صد بالغ گردد، حال آنکه این رقم در بین سایر مردم ایران حدود ۴۰ در صد میباشد. نتیجه دیگر تأثیر تعلیم و تربیت بهائی آنست که تعالیم و اخلاق بهائی در وجود تعداد روزافزونی از اطفال و جوانان بصورت طبیعت ثانوی در آمده است، بطوریکه مثلاً در انتخاب رشته تحصیلی و یا شغلی خود خدمت به نوع بشر را در مد نظر دارند و بطور کلی دید جدیدی نسبت به جهان و انسان پیدا کرده اند و از طرز تفکر و اعتقادات منفی و تعصب آمیز نسلهای گذشته برکنار میباشند. گزارشی که در ارتباط با سال بین المللی زن به سازمان ملل متحد ارائه شده نشان میدهد که در بسیاری از کشورهای جهان زنان بهائی در مقام هیئت های عامله محافل نقش مهمی در اداره امور جامعه خود دارند که با وضع سایر زنان آن کشور که هنوز در امور اجتماعی و همچنین در خانه تحت انقیاد مردان میباشند در تضادی آشکار قرار میگردد. (۱۶)

یکی از موفقیت های مهم کاهش قابل ملاحظه میزان تعصبات نژادی در درون جامعه بهائی در مقایسه با جامعه بیرون میباشد. از زمان مسافرت حضرت عبدالبهاء به آمریکا در سال ۱۹۱۲ بهائیان این کشور پیوسته از مشکل تبعیضات عمیق نژادی (که بعنوان "بزرگترین مانع بر سر راه صلح" توصیف گردیده) آگاه بوده اند. اهمیت این مسئله از این نظر روشن میگردد که در اعلامیه صلح که اخیراً از طرف بیت العدل اعظم منتشر شده تبعیضات نژادی در رأس علل اصلی جنگ و اختلاف در جهان امروز حتی قبل از اختلاف طبقاتی ذکر گردیده است. یکی از نشانه های موفقیت در این زمینه بالا رفتن میزان ازدواج های نژادی در جامعه بهائی میباشد. همچنین جوانان نیز بنوبه خود در اجرای تعالیم بهائی سعی بلیغ نموده اند. مثلاً بسیاری از جوانان آمریکا که قبلاً بعنوان مبارزه و مخالفت با جنگ ویتنام از اطاعت مقررات مدنی اجتناب میورزیدند، بعد از آنکه به آئین بهائی گرویده اند تابع مقررات اجتماعی گردیده و حتی خدمت وظیفه خود را انجام داده اند که البته حتی الامکان سعی نموده اند وظایف غیر جنگی بعهده بگیرند. یکی از نکات قابل توجه در مورد رعایت تعالیم بهائی از ناحیه جوانان و نوجوانان عدم توجه آنها به سبک و روش معمولی همسالان خود در اجتماع میباشد، با توجه باینکه معمولاً گرایش به آداب گروه همسن در بین جوانان انگیزه ای بسیار قوی و اجتناب ناپذیر است. باین ترتیب جوانان بهائی سعی دارند از بی بند و باری جنسی، الکل، مواد مخدر و سبک پوشاک نامناسب و مغایر عفت و عصمت که در بین سایر جوانان رواج دارد اجتناب ورزند. امتیاز مهم دیگر وجود جوی گرم، دوستانه و با محبت و خالی از هرگونه دشمنی و شایعه پراکنی در جوامع بهائی در سراسر جهان میباشد، بطوریکه هر فرد بهائی بهر گوشه ای از جهان که مسافرت نماید

با حضور در مجامع بهائی بهیچوجه احساس غربت و بیگانگی نمیکند بلکه گوئی در خانه خود وارد شده و بدیدار عزیزان و بستگان نزدیک خویش نائل گشته است. البته نمیتوان ادعا نمود که جامعه بهائی به حد کمال رسیده است چون هنوز نارسائی های فراوانی وجود دارد، ولی در جامعه ای که متشکل از مردمان مختلف از نژادهای واقوام گوناگون میباشد که در عین حال افراد آن در تلاش زندگی روزانه خود تحت فشار تمدن مادی قرار دارند در حال حاضر وجود این نارسائی ها امری کاملاً طبیعی بنظر میرسد. مثلاً یکی از مسائل آنست که هنوز میزان طلاق در جامعه بهائی غرب نسبتاً بالا یعنی بمیزانی کاملاً شبیه جامعه غیر بهائی میباشد. اما نکته قابل تعمق آنست که در جامعه بهائی موازین اخلاقی بسیار عالی و بطور کلی بالاتر از موازین اخلاقی جامعه خارج است و بنا براین برخلاف جامعه کنونی جهان که از نظر اخلاقی حرکتی قهقرائی دارد، این جامعه در جهت نیل به اهداف عالی اخلاقی خود پیوسته در حال اصلاح و پیشرفت میباشد.

در طی سالهای متمادی جامعه بهائی تمام سعی و کوشش خود را در راه تأسیس یک جامعه جهانی فعال و کار آمد و نیز تربیت افراد این جامعه به آدابی که شایسته نام بهائی باشند صرف نموده است. این وظیفه در حقیقت یک تلاش پی گیر و همیشگی میباشد ولی بنظر میرسد که بعد از شصت سال فعالیت مداوم در این زمینه، اکنون زیر بنای مناسبی پایه ریزی شده تا این جامعه بتواند براساس آن، فعالیتهای خود را بنحو مستقیم تری در جهت خدمت به اهل عالم گسترش دهد. البته این جامعه از بدو تأسیس خود طرفدار بسیاری از فعالیتهائی بوده است که به نهادهای مترقی و پیشرفته مانند سازمان ملل متحد، جنبش های صلح، حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد، حفظ محیط زیست و سایر جنبش های ترقی خواه مربوط میگردد. جامعه بهائی کتب و نشریاتی در زمینه مسائلی از قبیل رد تئوری برتری نژادی، لزوم تعلیم و تربیت اطفال، وحدت حقیقی ادیان الهی (در واقع بهائیان اولین کسانی هستند که در غرب نشریاتی در باره حقانیت دین اسلام منتشر ساخته اند)، مضرات الکل و مواد مخدر، شور و مشورت در اتخاذ تصمیم و مسائلی از این قبیل منتشر نموده است. نمایندگان جامعه بهائی بعنوان مشاور در کنفرانسها و سمینارهای سازمان ملل متحد که در مورد مسائل متعددی تشکیل گردیده شرکت نموده (۱۷) و در جهت اصلاح این سازمان پیشنهادهای سازنده ای مانند تأسیس یک نیروی پلیس جهانی و داوری الزامی در حل اختلافات بین کشورها ارائه داده اند که اجرای آن این سازمان را کارآمدتر و مؤثرتر خواهد ساخت. جامعه بهائی در "بنیاد جهانی حفظ طبیعت" که در جهت حفاظت طبیعت و محیط زیست پیشگام میباشد نیز عضویت دارد. همچنین جامعه بهائی ایالات متحده با همکاری سایر گروهها موفق گردید سنای آمریکا را پس از سی سال تردید به پذیرفتن میثاق نامه سازمان ملل متحد در مورد منع کشتار دستجمعی ترغیب نماید. اخیراً جامعه بهائی کانادا ضمن شرکت در یک برنامه بین ادیان که بمنظور آگاهی عمومی از مسائل مربوط به انرژی اتمی بر گزار گردیده بود نقش مهمی در تشویق و ترغیب شرکت کنندگان به رعایت بی طرفی و عدم جانب گیری سیاسی ایفاء نمود که در نتیجه این برنامه توانست اثر مطلوب و قابل توجهی بر جامعه داشته باشد و از حمایت دولت نیز برخوردار گردد.

در حال حاضر جامعه بهائی جهت پیاده نمودن یک برنامه وسیع و گسترده جهانی در

زمینه طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مانند تأسیس و اداره مدارس، مراکز تربیت مربی، مؤسسات کشاورزی بمنظور آشنا نمودن زارعین با روش‌های جدید افزایش تولید، ارائه کمک‌های اولیه بهداشتی، خدمات کار آموزی و آموزش زبان به مهاجرین و بسیاری برنامه‌های دیگر فعالیت می‌نماید. همچنین جوامع بهائی به تأسیس چندین ایستگاه رادیوی محلی در آفریقا، آمریکای شمالی و جنوبی بمنظور ترویج فرهنگ محلی، پخش اطلاعاتی‌های مربوط به وقایع محل و دادن اطلاعاتی در مورد روش‌های کشاورزی و مسائل بهداشتی و طبی اقدام نموده‌اند. این ایستگاه‌های رادیویی همه برنامه‌های خود را بزبان محلی پخش می‌نمایند و کارکنان آنها تماماً از داوطلبین محلی میباشند. بطور کلی بیشتر طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی (که در سال ۱۹۸۶ به ۷۰۳ طرح در ۷۹ کشور جهان بالغ گردیده بود) نسبت به برنامه‌های عمرانی رسمی دولتی کوچک و محدود هستند چون جامعه بهائی معتقد است که برای موفقیت این گونه برنامه‌ها باید از زیر بنای جامعه و ابتدائی‌ترین واحد‌های اجتماعی یعنی جوامع محلی شروع نمود. کمبود منابع مالی باعث گردیده تا طرح‌هایی تهیه و بموقع اجرا گذاشته شود که مستلزم سرمایه کمتری بوده ولی در عوض متکی به مهارت‌ها و استعداد‌های فراوان جامعه بوده است که خود از نتایج درخشان تأکید این آئین بر تحصیل علوم و فنون و اشتغال به کسب و صنایع مفید میباشند. این برنامه‌ها تا حد زیادی توسط خود مردم محل یعنی کسانی که از آن بهره‌مند می‌گردند و طبعاً نیازهای خویش را بهتر تشخیص میدهند طرح ریزی و اداره می‌گردد.

یکی دیگر از نشانه‌های آمادگی جامعه بهائی برای شرکت در فعالیتهای وسیع‌تر اجتماعی انتشار اعلامیه صلح در ارتباط با سال بین‌المللی صلح (۸۶ - ۱۹۸۵) میباشد. این اعلامیه توجه عموم مردم جهان را به انتخاب راهی که در این برهه از زمان در پیش روی بشریت قرار دارد یعنی یا استقرار صلح جهانی بعد از وقوع یک فاجعه عظیم و یا پذیرفتن صلح از طرف همه ملل جهان با تصمیمی آگاهانه و مبتنی بر عقل و منطق جلب می‌نماید. در اعلامیه به این نکته اشاره گردیده است که بزرگترین مانعی که بر سر راه صلح وجود دارد اعتقاد به متجاوز بودن ذاتی انسان است. بدیهی است با یک چنین عقیده بد بینانه‌ای هر گونه کوششی در راه صلح با شکست مواجه میگردد. در این سند به این حقیقت اشاره گردیده است که برای استقرار صلح پایدار به اقداماتی بسی بیشتر از خلع سلاح و امضای پیمان‌های بین‌المللی نیاز میباشد. استقرار صلح جهانی مستلزم آنست که علل اصلی منازعات یعنی نژاد پرستی، فقر و ثروت فوق‌العاده، ملیت‌گرایی، جهل و تعصب و اختلافات مذهبی در سراسر جهان ریشه کن گردد. همچنین به وجود یک نظام جهانی آموزش و پرورش که همه مردم جهان را بعنوان شهروند یک جهان متحد تربیت نماید و نیز تأسیس مجمعی از سران دول جهان که در آن استقرار صلح جهانی بعنوان بالاترین اولویت در نظر گرفته شود نیاز میباشد.

شرح مختصر تاریخ دیانت بهائی و موفقیت‌هایی که تا کنون کسب کرده بخوبی مؤید آنست که این آئین همانطور که پیروانش هم ادعا میکنند تنها یک جنبش ساده با معتقدات و اصول عالی اخلاقی نیست، بلکه همانگونه که تا کنون نشان داده است آئینی است که پیروان آن با تعهد و سرسپردگی عمیق و کامل و وحدت عقیده و نظر و عشقی شدید نسبت به مؤسس و دیگر پیشوایان برجسته آن و پیروی از آن هیاکل مقدسه

سعی میکنند اصول عالی آن را بمرحله عمل در آورند. پیروان این آئین افرادی عادی از همه نقاط جهان هستند که با پیشرفت ها و موفقیت های خود بخوبی نشان میدهند که نیل به اهداف عالی این جنبش در ظرفیت و توانائی بشر کنونی میباشد. آنها از همه مردم جهان دعوت میکنند که فارغ از تعصبات خود در این مورد قضاوت نمایند. افراد این جامعه با توسل به امکانات موجود، با تمام قوا تلاش میکنند تا ملل جهان را متحد ساخته و آنگاه دست در دست یکدیگر در راه نیل به بزرگترین هدف تاریخ یعنی برقراری عدالت اجتماعی و استقرار صلحی پایدار گام بردارند.

یادداشت ها

فصل دوم - دیانت یهود : یکتا پرستی و اخلاق

- ۱- بطوریکه قبلاً اشاره شد در چهارده قرن قبل از میلاد در مصر سعی شد که دینی مبتنی بر اخلاق و پرستش یک خدا یعنی "آتون"، خدای آفتاب تأسیس گردد. اما این دین فقط چند سالی دوام داشت.
- ۲- جالب اینست که این محاسبه، تاریخی را که برای ظهور آدم بدست میدهد تقریباً با پیدایش تمدنهای اولیه مقارن میگردد.
- ۳- سفر خروج (۲۰ : ۹ - ۳)
- ۴- سفر خروج (۲۰ : ۱۷ - ۱۲)
- ۵- سفر پادشاهان (۴ : ۲۵ - ۲۱)
- ۶- این واقعه بعنوان "عید حانوکا" جشن گرفته میشود و با تزئین شمعدانهای هفت شاخه از آن یاد میگردد.
- ۷- ساباتی زبوی که در قلمرو عثمانی زندگی میکرد مدعی بود که مسیح و نجات دهنده یهود است ولی سرانجام بر اثر فشار ترکها از ادعای خود صرفنظر کرد و مسلمان شد.

فصل سوم - آئین زردشت و امپراطوری پارس

- ۱- اصل این نام Zarathrustra میباشد که در زبان یونانی Zoroaster میگویند و بهمین شکل در زبان انگلیسی نیز بکار میرود.
- ۲- مثلاً در ازدواج، زنان از حقوق مساوی با مردان برخوردار هستند یعنی زن در انتخاب همسر خود آزاد می باشد. در طلاق هم حقوق مساوی دارند. در قوانین ارث نیز هیچگونه فرقی بین زن و مرد نیست. تنها تفاوت در مورد احراز مقام پیشوایی مذهبی است که فقط مردان میتوانند به این مقام برسند.
- ۳- حضرت زردشت خدار را "هورا مزدا" یعنی خداوند خرد می خواند.
- ۴- کتاب " Zoroastrianism and the Parsis " نوشته John R. Hummells صفحه ۳۳ .
- ۵- نقل از کتاب فوق.
- ۶- نقل از کتاب فوق.
- ۷- در این زمان بود که اوستا، کتاب مقدس دین زردشت به رشته تحریر در آمد. این کتاب علاوه بر گاته های قدیمی که شرح بحث ها، نصایح و احکام پیامبر میباشد، دارای قسمتهای متعددی در باره آداب و شعائر مذهبی نیز هست و تنها نوشته قدیمی آئین زردشت میباشد که تا کنون باقی مانده است. آنچه امروزه بعنوان اوستا موجود است ضمن کتاب دینکرد که سالها بعد در قرن نهم میلادی تألیف شد نقل گردیده است.

فصل چهارم - آئین هندو : تصویری از جهان

- ۱- کلمه هندو از فارسی گرفته شده و بمعنی ساکنان اطراف رودخانه هند (Indus) میباشد.